

- وزارت کشاورزی پاسخ گوید:
- ساواکی‌های حزب توده
- دست ابرقدرتها از کردستان کوتاه
- در باره «تئوری سه جهان»
- شوراهای مشترک را توسعه دهیم
- اعتصاب تاکسی‌رانان رشت
- امپریالیسم روس نمیتواند این خاک مقدس را به اسارت بکشد



ریشه‌های انقلاب

در قیام خونین پانزدهم خرداد

۱۵ خرداد خونین، بمثلاً به جنبش اعتراضی توده‌های وسیع خلق علیه برنام‌های رفرمیستی آمریکا-شاه، علیه غم‌سرکوب وحشیانه و دادن بیش از ۱۵ هزار قربانی، قیامی پیروزمند و سرآغاز پیروزی انقلاب کنونی بود.

شرایط وقوع قیام:

در دهساله پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، میهن ما به با زارت راج امپریالیست‌ها تبدیل شد و بیش از پیش به وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی میهن ما به امپریالیست‌ها افزوده میگشت. صنایع ملی شده نفت دوباره در اختیار امپریالیست‌ها قرار گرفت و با عضویت در پیمان نظامی سنتو، یوغ و وابستگی نظامی نیز برگردنمان آویخته شد، بحران اقتصادی دامنگیر



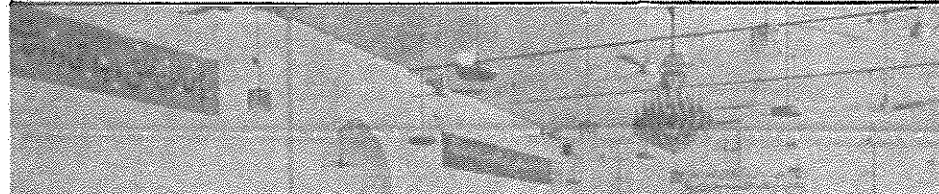
توده‌های میلیونی مردم در تهران و سراسر ایران بمناسبت روز تاریخی پانزدهم خرداد ماه در تظاهرات عظیم شرکت کردند. عکس‌بالا: اصحنه‌ای از بزرگداشت این روز تاریخی را در تهران نشان میدهد.

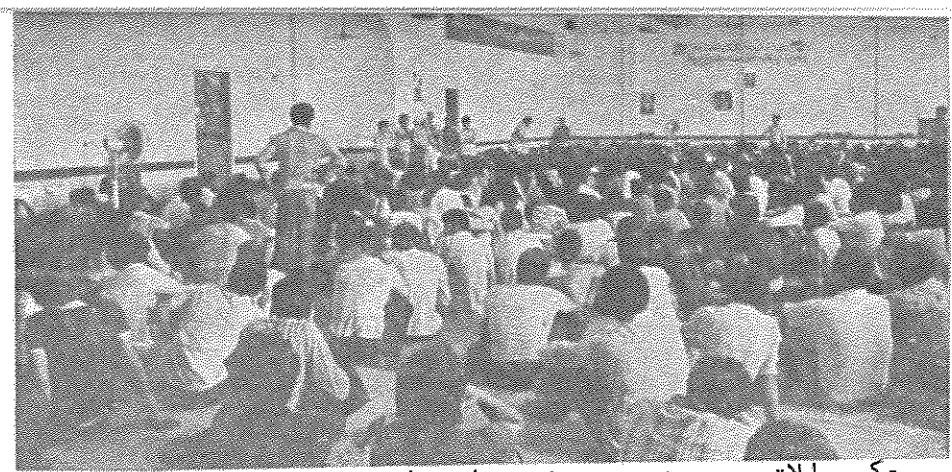
قانون اساسی

باید به استقلال، آزادی و رفاه خلق خدمت کند

داد، قانون اساسی ضروریست. هر سازمانی احتیاج به اساسنامه و یا منشوری دارد، کشور هم سازمان بزرگی است که محتاج چنین منشوری است تا مناسبات درونی و بیرونی آنرا در خطوط کلی به نظم درآورد. ما احتیاج به قانون اساسی برای ایران، آنهم ایرانی در وضعیت و موقعیت کنونی آن داریم. این تاکید بدان منظور است که در تدوین قانون اساسی باید خصوصیات کشور در نظر گرفته شود: تاریخ، فرهنگ، مذهب، ترکیب ملی و طبقاتی آن به حساب آید. بعلاوه این قانون باید با توجه بقیه در صفحه دوم

جدال بر سر محتوی و چگونگی تدوین و تصویب قانون اساسی در هفته گذشته بلا گرفت، دو نظر و روش تابحال اظهار شده است که میتوان آنها را طرفداران همه‌پرسی یا فرآند دوم و مجلس مؤسسان خواند. ما به این مسئله چگونه باید برخورد نماییم، از چه محتوی و شکلی باید پشتیبانی کنیم و شیوه درست تدوین و تصویب قانون اساسی کدام است. جواب به کلیه مسائل در این مقاله ممکن نیست. در اینجا ما خطوط کلی برخوردمان را می‌آوریم و در شماره‌های بعد مشخص تر روی آنها تمرکز خواهیم





عکس با لاتخصن مردم عرب خوزستان را در مسجد امام جعفر صادق

در خرمشهر نشان میدهد

گزارش خبرنگار ما درباره حوادث خونین خرمشهر بموقع برای چاپ در این شماره نرسید. خواهیم کوشید هرچه سریعتر آنرا در اختیار خوانندگان خود قرار دهیم.

اعلامیه

دست ابر قدرتها از کردستان کوتاه

مبارزات قهرمانانه و طولانی خلق کرد بخاطر کسب حقوق ملی خویش و حق تعیین سرنوشت چه در ایران و چه در کشورهای عراق، ترکیه، سوریه و روسیه، از مراحل پریچ و خمی گذشته و در سبای گرانبها و آموزنده ای به همراه داشته است. تاریخ مبارزات خلق کرد نشان میدهد که علل اساسی شکست مبارزات عبارت بوده است از: ۱- مداخلات امپریالیستها ۲- عدم استقلال و سازشکاری رهبران آن (اکثر از روسای قبایل و فئودالها تشکیل میشده اند که بجای تکیه به نیروی خلق کرد، به نیروهای خارجی و امپریالیستها تکیه می نموده اند) نتیجه نیز بطور دائمی فدا شدن منافع نهائی خلق کرد برای منافع لحظه ای و گذر اوقربانیهای بیشمار بوده است.

ملا مصطفی با رزانی با افتخار تبلیغ میکرد که حاضر است برای پیشبرد اهدافش از شیطان هم کمک بگیرد. او گاه با رویونیستها شوروی و عراق، گاه با حزب بعث عراق، زمانی با امپریالیسم آمریکا و صیهونیستها و رژیم منفور و وابسته شاه سابق ایران عقد دوستی می بست. ولی نتیجه همه اینها چه شد؟ وقتی هیئت حاکمه شوروی و رویونیستهای عراق منافع خود را در سازش با دولت بعث عراق دیدند او را تنها گذاشتند. وقتی رژیم شاه سابق با رژیم بعث توافق کردند، کمکهای آمریکا و شاه به ملا مصطفی قطع شد. خلق کرد هردو بار با تحمل قربانیهای زیاد و با شکست سختی روبرو گردید. مناسبات او با امپریالیسم آمریکا و شوروی و صیهونیستها رژیم شاه و... جز آنفرد وی در میان خلقهای خاورمیانه نتیجه ای بیار نیاورد.

تاریخ مبارزات اخیر خلق کرد نشان میدهد که هم امپریالیسم آمریکا و هم سوسیال-امپریالیسم شوروی تلاش کرده اند با سوء استفاده از جنبش خلق کرد نفوذ خود را در منطقه خاورمیانه افزایش دهند و همیشه بنا بر سیاستشان از پشت به این جنبش خنجر زده و باعث شکستهای متوالی آن شده اند.

ساواکی های حزب توده

در "مردم" شماره ۱۹ توضیح نامه ای کمیته مرکزی حزب توده در مورد عضویت "هوشنگ اسدی" در حزب چاپ شده و اعلام میکنند که "اسدی" بدستور حزب بداخل ساواک رخنه کرده و در این رابطه موفق به خدمات "شایانی" شده است. این توضیح در زمانی داده میشود که لیستی از عمال "ساواک" در مطبوعات، برای پاکسازی آن تهیه شده و اسم "هوشنگ اسدی" نیز که در شورای نویسنده گان روزنامه کیهان بوده، جزو این افراد میباشد.

سازمانهای انقلابی طبق شرایط ویژه ای و با حفظ اصولی در "مردم" شماره ۱۹ توضیح نامه ای کمیته مرکزی حزب توده در مورد عضویت "هوشنگ اسدی" در حزب چاپ شده و اعلام میکنند که "اسدی" بدستور حزب بداخل ساواک رخنه کرده و در این رابطه موفق به خدمات "شایانی" شده است. این توضیح در زمانی داده میشود که لیستی از عمال "ساواک" در مطبوعات، برای پاکسازی آن تهیه شده و اسم "هوشنگ اسدی" نیز که در شورای نویسنده گان روزنامه کیهان بوده، جزو این افراد میباشد.

سازمانهای انقلابی طبق شرایط ویژه ای و با حفظ اصولی

رشد سریع قیمتها در آمریکا

در سه ماهه آخر سال ۱۳۵۷ قیمت اجناس مصرفی در ایالات متحده آمریکا بطور سراسری آوری روبه افزایش بوده است. در مقایسه با سال ۱۳۵۶ نرخ قیمت اجناس مصرفی در عمده فروشیها ۱۴/۱ درصد افزایش یافته است که در نتیجه این کالاها ۳۱ درصد گرانتر از سال گذشته بدست مصرف کنندنده میرسند. این افزایش قیمتها در شرایطی صورت میگیرند که جامعه آمریکا از یک رکود اقتصادی به رکود اقتصادی دیگر می افتد. رکودهای اقتصادی ای که طبیعتا منجر به تشدید هر چه بیشتر بیکاری در بین زحمتکشان و نزول مطلق درآمد آنان میگردد، ولی علیرغم این رکودها، منحنی رشد قیمتها در مجموع سیر صعودی داشته و تنها دو بار و آنهم یک بار پس از جنگ دوم در سال ۱۳۲۸ و بار دیگر پس از جنگ کره در سال ۱۳۳۴ بمیزان یک درصد کاهش نشان میدهد. پس از جنگ ویتنام بحران تورم مالی و افزایش قیمتهای اجناس مصرفی بدون وقفه ادامه داشته است.

تورم مالی و افزایش قیمتها بقیه در صفحه ششم

مجا زنده در صفوف دشمن رخنه نمایند، از جمله:

- * رخنه در صفوف دشمن با هدف خدمت به منافع خلق انجام شود.
- * در دستگاه دشمن عمدتاً نقش فلج کننده را بازی کنند و این عناصر بعد از پیروزی باید خود را معرفی نموده و طبق شرایط جدید تمام اطلاعات خود را در اختیار نیروهای انقلاب بگذارند.

ولی آیا کمیته مرکزی حزب توده از این اصول پیروی نموده؟ ما برای "هوشنگ اسدی" ثابت میکنیم که جواب منفی است. این شخص نه تنها قبل از انقلاب (در خدمت به خلق) به ساواک ضربه نزد، بلکه بعد از انقلاب نیز به

اخلال علیه جنبش و انقلاب اسلامی ایران ادامه داده است. کمیته مرکزی حزب توده نیز علیرغم اعلام "بشستگی" از جمهوری اسلامی، اولاً: اطلاعات لیست عاملین خود را در ساواک اعلام نکرده است و تنها به معرفی این عنصر، بعد از گذشت چهار ماه از پیروزی انقلاب، و زمانیکه ولورفته، قناعت کرده، ثانیاً: "هوشنگ اسدی" نه تنها نقش تخریبی در ساواک نداشته بلکه پس از پیروزی هم همچنان از تخریب در روزنامه کیهان بر علیه مردم کوتاهی نکرده است. ثالثاً: هیچ سازمان مبارز و انقلابی ای نیست که از "رکودات" رخنه کمیته مرکزی در ساواک بهره ای برده باشد و یا اقل به نقش مخرب او در صفوف دشمن به نفع خلق صحنه بگذارد. علتش روشن است، کمیته مرکزی حزب توده در خدمت به خلقهای قهرمان ایران فعالیت نکرده و نمی کند تا بتوان از او چنین انتظاری را داشت. این دارودسته در خدمت منافع ابر قدرت امپریالیستی شوروی گام بر میداشته و میدان در ورخنه اش در ساواک نیز در رابطه با نفوذ جاسوسان شوروی در دستگاه جاسوسی آمریکا است و بخاطر رقابت دو ابر قدرت میباشد. در ساواک اعضای حزب توده به

بقیه در صفحه دوم

یوع و ابستگی نظامی نیز بر کردار آن آویخته شد، بحران اقتصادی دامنگیر اعتراض و ناراضیاتی شدید طبقات و اقشار خلقی را تشدید کرد، زحمتکشان به فقر شدیدتری مبتلا شده و هرگونه اعتراض و صدای گران و دهقانان با گلوله پاسخ داده میشد. اما صدای اعتراضی مردم، خاموشی بردار نبود و روز بروز دامنه آن گسترده تر میشد و مردم برای مبارزاتی بزرگتر آماده میشدند.

ناشی از این اوضاع، امپریالیسم آمریکا جهت حفظ منافع خود و گسترش بازاری بازرگاری با تکیه بر پایگاه طبقاتی مناسبتر (سرمایه داری وابسته) و بمنظور نجات و حفظ بساط رژیم وابسته پهلوی، به یاری اوستا فته و نسخه "انقلاب سفید" را تجویز نمود، تا با حربه رفورم و عوامفریبی از انقلاب توده ها جلوگیری کند.

در برابر چنین توطئه و تهاجمی، نیروهای سیاسی سنتی ناقص قابلیت و صلاحیت لازم برای رویارویی با امپریالیسم و رژیم شاه و رهبری جنبش توده ها بودند. رهبران خائن و فراری حزب توده، علیرغم مخالفت با رگبست لنینیستها در خدمت به منافع اربابان گرملین نشین خود به ستایش "جوانب مثبت" رژیم پرداخته و عملابه مخالفت با جنبش اعتراضی مردم پرداختند، بخشی از نیروی طرفدار جنبه ای ملی نیز با عدم تشخیص خطت امپریالیستی رژیمها شعار: (اصلاحات آری، دیکتاتوری نه) از خود سلب مسئولیت نموده و توده ها را بحال خود گذاشتند. اما بخشی از روحانیت به رهبری امام خمینی و همچنین انقلابیون نوخاسته و جدا از دو تشکیلات سنتی، قاطعانه به مخالفت آشکار با آن پرداخته و با شجاعت تمام، توده ها را برای مبارزه ای طولانی و سرنوشت ساز برانگیختند. قیام خونین ۱۵ خرداد در آغاز حرکت بزرگ روحانیت مترقی به رهبری امام خمینی بود که سرانجام پس از ۱۵ سال شمراست پیروز مند خود را بیار آورد.

مخالفتین قیام چه کسانی بودند؟ قیام قهرمانانه توده های خلق، افسانه "قدر قدرتی" و جزیره ای ثبات رژیم و اربابان آمریکا قیام را در بقیه در صفحه دوم

قانون اساسی...

به وضعیت کنونی: یعنی پیروزی انقلاب اسلامی ورقابت شدید و قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی و احتیاجات اساسی و مبرم جامعه کنونی ما باشد. بعبارت دیگر قانون اساسی باید با شرایطی باشد که بتواند طولانی‌ترین خلقهای میهن ما، از محرومیتها و ستمدیده‌گیهای آن، از احتیاج بزرگ آن به ترقی، به ترمیم خرابیها و ساختن ایران مستقل و نو.

قبل از هر چیز خوبست از خود سؤال کنیم قانون چیست؟

بنا بر تعریف قوانین تدابیر جبری هستند که توسط طبقه یا طبقات حاکم وضع میگردد تا به نفع خود روابط تولیدی مسلط در جامعه و جامعه را سازمان دهند. برای اجرای قانون باید پلیس و ارتش بکارگرفت. چنانچه قانون جنبه پذیرش و طلبانه داشت، آنوقت دیگر در اجرای آن احتیاجی به دادگستری و قوه قضائیه نبود. قانون اساسی از اساسی‌ترین قوانین است. هنگامیکه ما از قانون یا قانون اساسی صحبت میکنیم باید از خود سؤال کنیم قانون اساسی کدام طبقه یا طبقات؟ یعنی این قانون اساسی به کدام طبقه یا طبقات خدمت میکند و قوه قضائیه آن تحت هدایت کدام طبقه یا طبقات قرار دارد.

برای مثال هنگامیکه نظام ارباب رعیتی در ایران با حکومت استبداد سلطنتی فردی مسلط بود، کلیه فرمانها و قوانین در خدمت حفظ و تحکیم این نظام قرار داشت و پوشش اسلام را هم بر آن میکشیدند. بعدها در اثر نفوذ امپریالیسم در ایران و حرکت سرمایه‌داری شدن جامعه، تغییراتی بوجود آمد، انقلاب مشروطیت ضربه‌ای به نظام ارباب رعیتی وارد ساخت، از آن زمان به بعد ما شاهد هر شدن قوانین و سازمانها در خدمت ما هستیم که متمایل به وپس‌درا خدمت سرمایه‌داری است. رژیم شاه در دهه اخیر بنا بر سیاست امپریالیسم آمریکا، قوانین و فرمانهای بسیاری بسود سرمایه‌داری وابسته ارائه داد.

طبقات استثماری و رگروستمر مدعی اند که قوانین وضع شده توسط آنها، قوانینی ابدی و ورای منافع طبقه یا طبقات بخصوص اند.

جامعه در نظر بگیرد، این اولین و اساسی‌ترین خطی است که باید در قانون اساسی کشیده شود. بنا بر این ما خواهان آن قانون اساسی ای هستیم که از منافع کل طبقات و اقشار انقلابی و خلقی که در مرحله کنونی انقلاب کشور ما کارگران، دهقانان، دیگر اقشار خرد بورژوازی و بورژوازی ملی است دفاع نماید و خود آنها را در تدوین و تصویب آن مستقیماً شرکت جویند. ما با هرگونه انحنا رطلبی قشری یا طبقاتی مخالفیم.

نمایندگان بورژوازی با توجه به تمایلشان به بورژوازی بزرگ یا کوچک طرحها و پیشنهادهای مختلفی را برای قانون اساسی ارائه میدهند. هر دوی آنها از لحاظ محتوی به انحنا رگری طبقاتی متمایلند. میخواهند همه چیز را در خدمت طبقه و قشر خود در آورند. بعضی‌ها هم از چپ و بنما پندگی از طبقه کارگر، سیاست انحنا رطلبی طبقه کارگر را در پیش گرفته و بجای دمکراسی نو، که نه دمکراسی بورژوازی و نه دمکراسی پرولتری است، دمکراسی سوسیالیستی را بعنوان خط اساسی در تدوین قانون اساسی پیشنهاد میکنند. آنها مخالف هرگونه بورژوازی هستند، در حالیکه مادر این مرحله از انقلاب تنها بسا بورژوازی انگلی و وابسته به امپریالیسم چه در شکل خصوصی و چه در شکل دولتی مخالفیم. ما از اتحاد طبقه کارگر با طبقات و اقشار دیگر خلقی نه تنها دهقانان بلکه بورژوازی ملی دفاع میکنیم. آنها طبقه کارگر را به جنگ با بورژوازی ملی میکشاند. این خود نوعی انحنا رطلبی قشری و طبقاتی است که ثمره‌ای جز شکست برای انقلاب میهن ما ببار نخواهد آورد.

مرحله تاریخی کشور ما حکم میکند که قانون اساسی، از کل جنبش، از کل منافع طبقات و اقشار خلقی دفاع نماید، یعنی ثمره‌ی انقلاب باید بین تمام آنها تقسیم شود. از غذا همه باید بخورند. قانون اساسی ای که تنها برای یک طبقه و یک حزب سیاسی نماینده‌ی آن طبقه باشد با زتاب واقعی انقلاب کنونی نیست، خصوصیت عقب‌گرائی داشته و با منافع کل انقلاب در

ساواکی‌های حزب توده

دو طریق فعالیت نموده‌اند. عده‌ای که بعد از کودتای بیست و هشتم مرداد، خود را به رژیم شاه چلا دادند و ختنه بعد از مدتی با ایجاد "ساواک"، از اعضای فعال این سازمان جهنمی شده تمام شناختهای جنبشی خود را در خدمت ضد انقلاب قرار دادند و دستهای دیگر که از طریق حزب وارد "ساواک" شدند، در واقع ماهیت هر دو گروه یکی است، زیرا هیچکدام در خدمت خلق نبوده‌اند. یک گروه برای ابر قدرت آمریکا و گروه دیگر برای ابر قدرت شوروی چا سوسی میگرداند، نقطه مشترک آنها نیز مبارزه‌ای بوده که بر علیه خلق پیش میبردند.

آیا درجه شدت سرکوب نیروهای مبارزاتی از حمله‌ی متمرکز دوجانبه‌ای ساواکی‌های رژیم فاشیستی شاه و حزب توده نبوده است. بعضی شواهد نشان میدهد که با زجویان و شکنجه‌گران ساواکی‌ها از دستگیری افراد، تمایزی بین "توده‌ای‌ها" و دیگران قائل نمیشدند، دربارهای موار دینظر میرسد نسبت به زندانیان توده‌ای اغماض میکردند.

البته کمیته مرکزی حزب توده نه تنها به داخل "ساواک" چا سوس میفرستاده بلکه عاملین خود را به درون سازمانهای انقلابی و مبارز نفوذ میداده تا علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات، در آنها تفرقه و تشعب به نفع خود و اربابش بوجود آورد. با آنچه گفتیم ساده لوحی است اگر گمان رود که کمیته مرکزی حزب توده در دستگاه دولت، کمیته‌های امام و سازمانهای مختلف عاملین دست پرورده خود را رخنه نداده و ندهد. بنا بر آنچه گفته شد کمیته مرکزی حزب توده که در رودسته‌ای ضد خلقی و وابسته به ابر قدرت شوروی میباید برای پیشبرد منافع غارتگرانه و ضد انقلابی اربابان روسی خود از هیچ توطئه، خیانت و جنایتی رویگردان نبوده و نیست. از این جهت این خواست محقانه مردم ما است که عنا صراحتاً سوس، خیانتکار، توطئه‌گرو وطن فروش این درودسته‌ها نیز مانند سایر جا سوسان و وطن فروشان وابسته به قدرت‌های بیگانه دیگر شنا سائی واقف گردند.

ریشه‌های انقلاب

یکی از احزاب انصاف یکی از روزنامه نویسان را به ساواک با اعلامیه‌ای به این مضمون توجیه کرده بود که روزنامه نگار موصوف دستور حزب و برای مقاصد اطلاعاتی در ساواک رخنه کرده بود یعنی عضویت او در ساواک فقط در عضویت او در حزب بوده است و در این راه خدمات مهمی هم انجام داده است.

عضویت در ساواک دستور حزب مسئله‌ای نیست که با توجه به اوضاع و احوال عمومی جامعه و حقیقتات خصوصی افراد آن در دورانی از فساد و خفقان با یک اعلامیه توجیه شود.

فردی که دستور حزب عضویت در ساواک را می پذیرد برای حفظ ظاهر و جلب اعتماد باید به ساواک خدمت کند نقش جاسوس دوجانبه را بپذیرد بازی در نقش جاسوس در جنبه دیگر یک طرفش مصنوعی و طرف دیگرش حقیقی باشد احتیاج به قدرت اخلاقی و جرات و شهامت فوق العاده‌ای دارد. زیرا بازی در این نقش، باید آنچنان با مهارت انجام گیرد که اطلاعاتی که این شخص به ساواک می‌داد و با اعمالی که دستور ساواک انجام می‌داد موجب لطمه زدن به وضع مخالفین و یا تضعیف عمومی چر یان مبارزه نشود. آیا وجود قدرت اخلاقی فوق العاده در آقای ایکس و ضرورت زدن بازی در این نقش به افراد و جریان مخالف رژیم برای حزب کذائی ثابت شده است. آنچه که ما شنیدیم و میدانیم چنین احتمالی را بکلی نفی می‌کند. اثری که آقای ایکس از نوع و کیفیت کار خود در محیط روزنامه باقی گذاشته است چیزی جز فساد و دورویی و لطمه زدن به همکاران با فضیلت و روشنفکر و ترقی و همکاری با محافظه کارترین و الورده ترین عناصر نبوده است.

ما این حرف را از قول کسانی می‌زنیم که خود در گذشته از اعضای فعال حزب کذائی و در حال از با فضیلت ترین مبارزان و مخالفان ضد رژیم استبدادی در محیط روزنامه بودند.

اگر همکاری مصلحت‌گرایانه با ساواک میتواند همه دغلاکاریها و ردالت های اخلاقی را توجیه کند در اینصورت باز دیگر مسئله هدف وسیله مطرح می‌شود. در این مسئله تردیدی نیست که نیردبا دشمن با سلاحی شبیه سلاح او بظاهر منطقی جلوه می‌کند.

اما این ظاهر منطقی در باطن چیزی جز توجیه وسیله از سوی هدف نیست.

اگر دشمن دغلاکار و دروغگو و تهمت‌زن جاسوسی و فریبکاری و دروغگوئی را در جهت کار خود که از اصل فاسد است مباح بداند آیا مانع در مقابله با او باید به بهانه رسیدن به هدفهای خوب استفاده از همه این وسایل بد را جایز بشماریم؟

مثلاً اگر به مذهب و اخلاق مذهبی از اساس وطن تفکر خود اعتقاد نداریم برای مصلحت و حفظ وضع خود در محیطی مذهبی چنین وانمود کنیم که ما نیز از معتقدان مذهبی هستیم؟

توجیه و وسیله بد با هدف خوب؟

یک جاسوس دوجانبه برای گرفتن چه چیزهایی، چه چیزهای دیگری را در معامله دوجانبه از دست می‌دهد؟

وقتی مصلحت ایجاب می‌کند دکتر مصدق را عامل امپریالیسم و نوکرات‌تجاع بدانیم وقتی که با مصلحت ایجاب کند بگوئیم ما اشتباه کرده بودیم و دکتر مصدق عامل امپریالیسم نبود.

وقتی افراد یک حزب بر طبق مصلحت بتوانند دروغ بگویند و بر طبق مصلحت همکاران خود را لو بدهند و بر طبق مصلحت از انتشار مقالات آزادیخواهان و مبارزان واقعی در روزنامه جلوگیری کنند و بر طبق مصلحت اخبار را برضد دولت انقلاب تحریف کنند و بر طبق مصلحت حزبشان طرفدار انقلاب اما افرادشان در مشاغل حساس برضد انقلاب باشند در اینصورت آیا حزبی که متشکل از افراد است برای هدفهای خوب با اصطلاح خود را از دست زدن به وسایل بمنع می‌کند؟

وقتی فرد حزبی طبق دستور حزب نقش جاسوس دوجانبه را برعهده بگیرد خود حزب چگونه از این نقش تبرا می‌جوید؟

وقتی برای فرد طبق دستور حزب دروغگوئی و دغلاکاری و جاسوسی بعنوان مصلحت مجاز است آیا برای حزب مجاز نیست؟

آیا طرفداری فلان حزب از دولت انقلاب و رهبری انقلاب طبق این شیوه اخلاقی خود تاکتیک محض و مصلحت روز نیست؟

یعنی نه از روی عقیده بلکه از جهت مصلحت ظاهر به توافق کردن تا روزی که مقتضیات این توافق منتهی شد آنگاه مخالفت را علنی کرد.

ما عقیده داریم آنچه که ایدئولوژیها و مسلک‌ها را از درون خالی و پوچ می‌کند همین مصلحت‌گرانی است.

وقتی حزبی و رهبرانی به خیال خود برای هدفهای خوب استفاده از وسایل بد را مجاز بدانند در حقیقت گام اول را در راه انحراف یعنی تضعیف کامل هدفهای خوب برداشته‌اند. زیرا در این راه میتوان با دشمن بندوبست کرد و دروغ گفت و هر مخالفی را با تهمت و افترا لعین‌مال کرد. و هنگامی که این تاکتیک‌ها به شکست انجامید به آسانی خطا و اشتباه را دلیل آن قلمداد کرد.

حزب هم مثل یک انسان وقتی دچار مصلحت‌گرانی شد ناچار اقدام حرکت‌رانش را برای مقاصد و مصالح خود مجاز می‌داند. یعنی همان بازی قدیمی که: هدف وسیله را توجیه می‌کند.

اما ما اعتقاد داریم که هدف خوب هرگز نمیتواند وسیله بد را توجیه کند. یک حزب اگر اساس و پایه اخلاقی اعتقادش بر این اصل نباشد چاره‌ای جز قبول دروغ و تهمت و دغلاکاری و جاسوسی و ناچوانمردی به عنوان وسایل موثر کار حزبی ندارد. اگر هدف غائی و نهائی ما نابودی این خصوصیات اخلاقی از جامعه و از فرهنگ و رسوم است، اگر ما می‌خواهیم کار خلاق و راستگویی و درستکاری را جایگزین طفیلی‌گری و فساد و دزدی و دغلابازی کنیم چگونه می‌خواهیم از راه دروغ و افترا و تهمت و جاسوسی و مصلحت‌گرانی به این هدف برسیم؟

از نشریه جنبش شماره ۴۱

رژیم منفق‌فروش‌ها را تبلیغ کردند. قیام با نژدهم خردا دا زهما ن ابتدا خود

انقلابی مردم بر اه انداخت از جمله ایزوستیا ارگان حزب

منافع طبقه یا طبقات بخصوص آند. شاه همیشه خود را مدافع مردم ایران و مملکت ایران معرفی می کرد.

در طول تاریخ تنها طبقه کارگراست که این پرده پوشی طبقات دیگر را برملا می سازد و آشکارا اعلام میدارد. قانون هم مثل هر چیزی دیگری در جا معمه مهر طبقاتی خورده و در خدمت طبقه یا طبقات ویژه ای وضع شده و بکار برده میشود. علت این امر اینست که طبقه کارگر تنها طبقه ایست که میتواند علاوه بر منافع خود از منافع طبقات محکوم دیگر دفاع نماید و درست در دفاع از منافع طبقات محکوم دیگر است که قادر است حق خود را بدست آورد. آزادی طبقه کارگر در حقیقت در گرو آزادی کل ستمدیدگان قرار دارد. حال این سؤال مطرح میگردد که دعوی کنونی برروری قانون اساسی به حساب کدام طبقه یا طبقات است. کدام طبقات حق وضع قانون اساسی کنونی را دارند و حاکمین - محکومین در آن کدا منند.

انقلاب پیروز مندا سلامی ما به رهبری امام خمینی، انقلابی است ضد امپریالیستی و ضد استبدادی که در آن کارگران، دهقانان، دیگر اقشار خرده بورژوازی و تجار و سرمایه داران ملی شرکت داشته اند. بنا بر این قانون اساسی کنونی باید بسود کلیه این طبقات واقشار باشد، باید منافع آنها را در نظر بگیرد، باید به آنها آزادی دهد تا مشترکا دستاوردهای انقلاب را تحکیم نمایند و جا معهای را بنا بر منافع مشترک خود بوجود آورند. بنا بر این خود این اقشار باید واضعین قانون اساسی کنونی باشند و از سوی دیگر قانون اساسی باید به ضرر آن طبقات واقشاری باشد که انقلاب آنها را سرنگون کرده است. یعنی باید علیه امپریالیستها بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و عمال آنها، علیه سرمایه داران وابسته و علیه بقایای نظام ارباب - رعیتی و عشرتی باشد. به آنها باید دیکتاتوری اعمال نماید و حقوق آنها را تنها بعنوان محکومین

داشته و با منافع کل انقلاب در تضاد است. به نظر ما هر قانون اساسی که دارای محتوی سه اصل اساسی خلق، استقلال، آزادی و رفاه خلق باشد قانون اساسی خلقی بوده و از منافع مشترک طبقات واقشار انقلابی دفاع میکند. از آنجا که سه اصل اساسی خلق دارای محتوی غنی انقلابی است شیوه تدوین و تصویب آن هم در شکل قانون اساسی باید انقلابی و متأثر از انقلاب پیروزمند کنونی باشد. شیوه انقلابی یا خلقی تدوین و تصویب قانون اساسی اینست که همانند مبارزات قبل از پیروزی انقلاب باید توده های وسیع خلق را در این امر هم بطور وسیع شرکت داد. به پیشنهادات و نظرات آنان توجه جدی نمود. درست بخاطر شنیدن نظرات و پیشنهادات توده ها و درست بخاطر شرکت وسیع آنان ضروریست مجالس سیاسی مشورتی سطوح مختلف (بخش، شهر، شهرستان، استان و بالاخره در سطح کل کشور) تشکیل گردد. و از هر سطح نمایندگان برای سطح بالاتر انتخاب گردند. تنها در چنین حالتی است که شیوه دمکراتیک انتخاب افراد بطور واقعی عملی میگردد. زیرا توده ها آن فردی را به ارگان بالاتر میفرستند که خود بطور مستقیم و در عمل شناخته اند و پس از شرکت در مجلس سیاسی مشورتی بالاتر میتوانند از او گزارش بخواهند و چگونگی برخورد او را در مجلس سیاسی مشورتی دنبال کنند. علاوه بر این باید بطور جدی به ترکیب طبقاتی، ترکیب ملی و ترکیب جنسیت توجه شود. اکثریت نمایندگان باید از کارگران و دهقانان باشند. مجلسی که تنها از حقوقدانان تنها از روشنفکران و یا روحانیون تشکیل شود، هر چند هم آدمهای خوبی باشند، مجلس واقعی توده ای و خلقی نیست. چرا نباید خود کارگران و دهقانان در مجلس مستقیما شرکت کنند؟ آنها بهتر از هر کس قادرند منافع مشترک

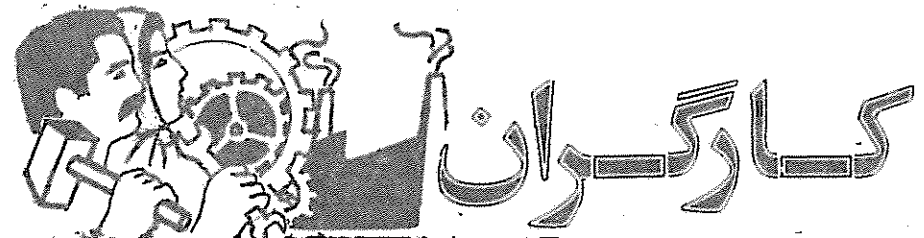
ریشه های انقلاب

هم کوبید و برهوشیاری خلق گواهی داد. این خیزش توده ای که منافع امپریالیستها و رژیم ارتجاعی حاکم را شدیداً بخطر انداخته بود با مخالفت شدید آنان روبرو شد. آنها تلاش کردند تا تبلیغات عوام فریبانه، سفیدرا سیاه جلوه دهند. تبلیغاتچیان امپریالیسم آمریکا و رژیم وابسته اش بیشرمانه جنبش خلق را مورد حمله خونین قرار داده و با تهمت زنی، افترا و تحریفات، تلاش کردند تا جنلیت عظیم خود و کشتار هزاران انسان و حمتکش را توجیه کنند. دارودسته رویزیونیستی خروشچف - برژنف در روسیه نیز که منافع خود را در حفظ رژیم شاه و بسط مناسبات دوستانه با آن میدیدند، با امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه همصدا شده و با همان اتهامات کثیف، جنبش توده ای خلق روحانیت مبارز را مورد حمله قرار دادند. مسکو، کارزار تبلیغاتی وسیعی در پشتیبانی از جنایات شاه در سرکوب خلق و مخالفت با مبارزات

خود را با زگونما یند، دانش و عقل واقعی در میان مردم است، آنها یک در عمل انقلابی شرکت کرده و میکنند آنها یک صبح تاشب به تولید مشغولند و امروز زندگی جامعه را به جلو میرانند و رای دانش واقعی اند و مجلس واقعی باید عمدتاً از آنها تشکیل گردد. علاوه بر این درست بخاطر ایجاد شور و شوق وسیع تر در میان مردم ما معتقدیم طرح نهائی پیشنهادی توسط مجلس سیاسی مشورتی باید به رای عمومی گذارده شود. باید در همه پرسشها مورد تأیید قرار گیرد. یعنی همه به مجلس سیاسی مشورتی و هم اجرای همه پرسشها احتیاج است. ما هم موافقیم که در مجلس سیاسی مشورتی سراسر کشور تمام پیشنهادات و نظرات مورد بررسی علمی و حقوقی قرار گیرند و پیشنهاد نهائی و صیقل شده از طرف مجلس ارائه شود و هم معتقدیم این پیشنهاد ضروریست به رای مردم واگذار گردد. توده های مردم رای خود آنها را به تصویب نهائی برسانند.

انقلابی مردم برای انداختن از جمله یزوستیا ارگان حزب رویزیونیست شوروی در ۱۸ خرداد چنین نوشت: "دیروز در پایتخت ایران (تهران)، در مشهد، قم، ری و مراکز بزرگ مذهبی کشور، به تحریک عده ای از روحانیون مرتجع مسلمان، اشوب و بلوائی برپا شد. اشوب - طلبان برای مبارزه علیه اصلاحات ارضی دولت، از ایام سوگواری مراسم مذهبی که در هر سال در روز شهادت امام حسین پیشوای مسلمانان بعمل می آید استفاده کردند. تیراندازی بعنوان تمام حجت مفید واقع نشد. عده ای از جوانان متعصب عقب افتاده چند مغازه را غارت کردند و چند اتومبیل را واژگون نمودند. اجرای اصلاحات ارضی ضد فئودالی و اتخاذ تصمیم در باره دادن حق رای به زنان، از همان ابتدا با مخالفت شدید مالکین بزرگ و روحانیون مواجه شد که از ملاکین پشتیبانی میکردند. اکنون مرتجعین سعی دارند از مرحله تبلیغ و اقدام مرحله عمل شوند. امپریالیستی شان چون ایوانف به قلم فرسائی پرداخت و سعی کرد این قیام بزرگ توده ای و روحانیت مبارز در مقام رهبری آنرا اینگونه به لجن بکشد: "بخش ارتجاعی روحانیون به اتفاق نیروهای ارتجاعی ملاکان... کوشیدند تا تظاهرات وسیع مردم را در ژوئن ۱۹۶۳ (محرم ۱۳۴۲) که استفاده از امکانات تجمع در روزهای سوگواری آنرا ممکن ساخته بود در جهت هدفهای خود مورد استفاده قرار دهند" (از کتاب "تاریخ ایران"، نوشته س - ایوانف - صفحه ۲۵۹). ایوانف، این تاریخ نویس امپریالیسم روسیه در مورد امام خمینی می نویسد: "از عراق به تبلیغات علیه دولت و علیه اصلاحات ارضی برای حقوق زنان می پرداخت و بیانییه و پیام به ایران میفرستاد زهی وقاحت و بیشرمی! ادا رودسته مزدور کمیته مرکزی حزب توده نیز طوطی وار به نشخوار آنچه که استاد ازل گفت پرداخته و در رویا رویی با جنبش خلق به مدیحه سرائی رژیم پرداخته و جوانب مثبت رفرمهای

رژیم شوروی را تبلیغ کردند. قیام یا نژدهم خرداد از همان ابتدا خود را با دشمنانی چون امپریالیسم آمریکا و رژیم وابسته و ضد خلقی شاه امپریالیسم شوروی و ا دوسته خائن کمیته مرکزی حزب توده، روبرو یافت خصلت قیام و نتایج آن: قیام توده ای ۱۵ خرداد، قیامی مستقل، متکی به خود، انقلابی و بر علیه کلیه امپریالیستها بود. این قیام سرآغا ز اعتلاء نوین جنبشی به رهبری روحانیت مترقی بود. این قیام به مبارزه روشنفکران انقلابی حرکتی نوین داد، آنها را بسوی تشکیل سازماندهی هدایت کرد و زمینه مساعدی جهت فعالیتها و انقلابیشان فراهم نمود. این قیام در جنبش نوین کمونیستی نیز موثر واقع شد و در تمام مقنوفین مارکسیست - لنینیستها از رویزیونیستها و رفرمیستها کمک شایانی نمود. از جمله، رفقای سازمان ما که در جریان مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی شدیدی با رهبران رویزیونیست حزب توده قرار داشته و در حال جدایی از حزب توده بودند. با جمع بندی از تجارب قیام ۱۵ خرداد، بر سر دو مسئله اساسی: ارزیابی قیام و نقش روحانیت مبارز (که رهبران حزب توده آنرا مسخ و لوٹ میکردند) و لزوم راه قهر آمیز انقلاب که قیام خونین ۱۵ خرداد با ردیگر بر روشنی تمام بر آن صحه گذاشت (در حالی که "رهبران" با سفسطه و تشویری با فی، ضرورت آن را مورد سؤال قرار میدادند)، مبارزه ایدئولوژیک درونی را تشدید کردند و واقعیات قیام، بریدن مارا ز رهبری رویزیونیستی حزب تسریع نمود. این دستاوردها و اثرات انقلابی ریشه های انقلاب کنونی را در درون خود پرورش داد، ساقه دوانید و سرانجام همراه با بها را انقلاب کنونی شکوفه داد و به ثمر رسید. انقلاب کنونی، ادا مه قیام ۱۵ خرداد با همان خصایل انقلابی است انقلابی است که کماکان علیه دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه می جنگد. خلاطره شهدای قهرمان ۱۵ خرداد را با ادا مه مبارزه جهت حفظ و تحکیم استقلال، آزادی و تا مین رفاه خلق گرامی داریم.



کارگران

شوراهای مشترک را توسعه دهیم

خلقهای ما برهبری امام خمینی موفق شده اند شاه یعنی عامل شماره یک بقیه در صفحه چهارم

تشکیل نسبتاً موفقیت آمیز شوراهای مشترک کارگران و کارمندان در برخی از واحدهای تولیدی، نوید بزرگی برای جنبش کارگری ما در مرحله کنونی است. شوراهایی که در تراکتور سازی تبریز و در شرکت نورد اهو از تشکیل شده اند نمونه‌های از این شوراهای هستند. این شوراهای شامل نمایندگان کارگران، مهندسین و سایر کارکنان این واحدها میشوند. کارگران که اکثریت کارکنان و احد تولیدی را تشکیل میدهند در شوراهای نیز دارای اکثریت مطلق هستند. اما سایر کارکنان این واحدها نیز با داشتن نمایندگان در این شوراهای شرکت دارند. اهمیت این موضوع در چیست و چرا ما آنرا نوید بزرگی برای جنبش کارگری میدانیم؟ علت این است که تشکیل شوراهای مطلقاً کارگری در این واحدهای تولیدی نمیتوانند جوای بگویی نیازمندیهای مرحله‌ای انقلاب ما باشند چرا نمی‌توانند؟ زیرا که انقلاب ما هنوز در مرحله‌ای انقلاب دمکراتیک نوین است. در شرایط کنونی ما هنوز در مرحله‌ای بیرون راندن امپریالیست‌ها از ایران و سرکوبی عوامل وابسته به آنها در داخل کشور هستیم و هنوز ما مرید دست آوردن استقلال کشور به پیروزی نهایی نرسیده است. این درست است که

رفتگران گران خواهان اضافه حقوق خود هستند

در ماه گذشته ۱۴۰۰

سندیکای کارگران کتابفروشی‌ها

مسائل و مشکلات آنها

بعد از آن و پیدایش روحیه انقلابی در کارگران کتابفروشیها، به آنها کمک کرد تا بطور جدی تر دست بکار تشکیل سندیکای خود شوند. در سال ۱۳۵۴، یک سندیکای فرمایشی (به قول کارگران، سندیکای زرد) وجود داشت که بوسیله کارفرمایان

و بطور مشخص مدیر تراست انتشاراتی "امیرکبیر" خرید شده بود که به علت آنکه نقشی در بهبود شرایط کاری کارگران نداشت، مورد تنفر کارگران بود و عملاً زهم پاشید. با توجه به سابقه بدی که بقیه در صفحه چهارم

روز جمعه ۱۸ خرداد، مجمع عمومی سندیکای کارگران زن کتابفروشیها و انبارهای مربوطه، در خانه کارگر تشکیل میشود. علاوه بر این انتخاب هیئت مدیره، شورای بازرسان و هیئت داوران سندیکا، اساساً مه پیشنهادی از طرف شورای مؤسسان این سندیکا را تصویب نماید.

فکر تشکیل سندیکای واقعی، در بهمن ماه، در اوج مبارزات توده‌ای سال گذشته، در بین کارگران کتابفروشیها وجود آمد. ولی پیروزی انقلاب و وجود شرایط انقلابی

جلسه کارگران چاپخانه‌های کوچک

اتحادیه کارگران صنعت چاپ بپیوندند ابتدا دوندگان شورای ۱۵ نفری سندیکا صحبت نموده و دستم سرمایه‌داران را بر کارگران افشاء میکنند. سپس از کارگران و نماینده‌ها می‌خواهند که در بحث شرکت کنند. کارگری از چاپخانه ترقی می‌آید و تشریح میکند که چون نماینده بوده و از حق خود و دیگران دفاع کرده او را تحت فشار قرار داده اند و کارفرما بیرونش کرده است. چند تن از کارگران از دست کارفرمایان در چاپخانه‌های مختلف صحبت میکنند و خواهان رسیدگی مسئولین سندیکا و وزارت کار به مشکلات خود میشوند. در صحبت‌های نمایندگان و مسئولین شوراهای زوحدت کارگران و استقلال سندیکا از هر حزب و فرقه وایدئولوژی صحبت میشود. یک نفر علیه خرابکاران در محیط کار و دام زدن به اختلافات بین کارگران و کارفرما صحبت میکند. دیگری از دست سرمایه‌داران، در بین بحث، نشریه‌ای از گروه‌های با اصطلاح "چپ" را نشان میدهند و میگویند چرا جلوی این کارها را می‌گیرید، ما نشان بدهیدشان تا حسابشان را برسیم. کارگران آگاه اعتقاد دارند که اینها کمونیست نیستند بلکه امثال گل سرخی‌ها کمونیست‌های واقعی میباشند. تا این زمان حدود ۶۰ نفر کاندیدای نمایندگی در سندیکا

یک تجربه موفق دیگر در تشکیل شوراهای مشترک

کارکنان کارخانه نورد اهو با تشکیل شوراهای مشترک با تولید کارخانه را با موفقیت در دست خود گرفته‌اند. با پیروزی انقلاب و پایان اعتصابات کارگری، کارکنان شرکت سام‌نورد

پای صحبت کارگران

* با کارگری حدود ۵ ساله از تعمیرگاه زیان صحبت می‌کردیم. میگفت حدود ۲۵ سال است که من کارگر هستم - ولی الان فقط روزی ۷۰ تومان میگیرم که ۱۵۰۰ تومان آن خرج کرایه خانه میشود و حدود ۶۰۰ تومان باقی میماند، تا بچه داشتم که دوتای آنها در انقلاب شهید شدند - من به این خاطر می‌گذاشتم بچه‌ها را در تظاهرات و غیره شرکت کنند که فکر می‌کردم بعد از انقلاب وضع بهتر میشود. او میگفت فروهر فقط وعده و وعید میدهد و هم میگوید کارگران دولتی بما مربوط میشود و میگفت دولت طرفدار سرمایه‌داران است. اغلب کارگران جوان از اوباشتیانی می‌کردند. ولی کارگران مسن‌تر میگفتند قبل از انقلاب رایشک‌های ۱۴ دلار می‌فروخته و کلی از آنرا می‌دزدیدند و یا اسلحه می‌خریدند. ولی الان که بشک‌های ۲۰ دلار می‌فروشند و اسلحه هم نمی‌خرند و میگویند دزدی هم نمیشود. پولش کجا میرود؟ در هر صورت اوباشانند از هائی ناراحت بود که آچار را زدن زمین و خوردن به شیشه یک ماسر و آنرا شکست.

من یک کارگر هستم که در یک شرکت جاده سازی که از شیراز به بوشهر جاده میکشد کار میکنم. هر روز ساعت ۴ صبح همراه پیمانکار با یک ماشین به محل کارم بین شیراز و بوشهر میروم. هر روز صبح وقتیکه پیمانکار ما را به محل کار می‌رساند خودش بر می‌گردد که صبحانه و نهار بیاورد، باور کنید هفته گذشته از ۶ روز فقط ۳ روز آنرا برگشت و مقداری نان و پنیر آورده و چربی پش می‌گیم که با اینها هوا خیلی گرم است اگر ممکنه مقداری یخ برای ما بیاورد، تازه بیشتر وقت‌ها که برای آوردن آنها می‌روند دیگر ترا غروب بر نمی‌گردد و ما با پدیا شکم گرسنه و گلوی تشنه زیر آفتاب سوزان کار میکنیم چرا که آقای پیمانکار در قهوه‌خانه راحت نشسته و یادش رفته که ما صبحانه نخوردیم و یا آنها رندیم. خلاصه هر وقت هم که اعتراض میکنیم میگه این روزها کارگر بیچاره‌ای است اگر دوست نداری رفتن از اینجا نیا ئید. خلاصه از دولت میخواهیم که به وضع ما کارگران جاده سازی رسیدگی کند.

اعتصاب تاکسی رانان رشت

روز یکشنبه ۱۵/۳/۵۸ اجتماعی از رانندگان تاکسی با وسایل نقلیه‌شان در مقابل استانداری رشت صورت گرفت. آنها میگفتند که هیئت مدیره‌ای که ما داریم همان اشخاصی هستند که در زمان طاغوت سالهای سال بنام نماینده‌ی تاکسی رانان و مدیر عامل تعاونی

اجناس به مغازه‌های دیگری داده شود. این اجتماع با حضور سرهنگ رقائی رئیس شهر بانی صورت گرفته و حاضرین ضمن نوشتن نام شماره ماشین و امضاء خود آقایان: ۱- هادی دولت آبادی ۲- جواد کاظمی ۳- عباس شریفی ۴- علی اصغر مینائی ۵- اسحق بیگی را

در مهرماه گذشته هنگامیکه موج اعتصابات مطالباتسی سراسرایران رافرا گرفته و رژیمشاه با اضافه کردن ۷۵۰ تومان به حقوق کارمندان و با دادن قولهایی به کارگران تلاش کرد تا دامنه این اعتصابات را که میرفت سیاسی شود محدود سازد، کارکنان شهرداری گرگان هم با این جنبش اعتصابی عظیم مطالبات خود را مطرح نمودند. شهردار وقت مقداری زمین (که سهم شهرداری از قطعه بندی زمین یک ثروتمند اما بدون سند مالکیت بود) را برای جلوگیری از اعتصاب کارکنان شهرداری با یک قرعه کشی قلابی میان آنان با صلاح تقسیم کرد (نفری ۲۵۰ متر)، بعد هم خودش استعفا کرد و رفت، کارکنان شهرداری که بعداً به قلابی بودن این قرعه کشی پی بردند دیگر نتوانستند خواستهای اقتصادی خود را مطرح کنند، چه جنبش در این زمان به سطح سیاسی رسیده بود.

بعد از انقلاب، دولت موقت ۷۵۰ تومان اضافه حقوق به کارمندان شهرداری داد ولی از پرداخت آن به رفتگران خودداری نمود. شهردار بعدی قول رسیدگی داد ولی بعداً استعفا کرد، شهردار دیگر هم قول داد ولی بعداً فرماندا رشده و مسئله رفتگران زحمتکش همچنان لاینحل باقی ماند.

در پانزدهم اردیبهشت ماه در حدود ۱۰۰ نفر از ۳۰۰ نفر رفتگران گرگان در سالن شهرداری بعنوان اعتراض گرد آمدند. شهردار به استناد بیخشنای از مرکز از پرداخت ۷۵۰ تومان به رفتگران خودداری نمود و مورد خشونت و اعتراض رفتگران قرار گرفت و او متقابلاً اظهار داشت که عده ای مشغول تحریک هستند اما رفتگران این ادعا را رد کرده و گفتند که ما حق خود را میخواهیم و کسی ما را تحریک نکرده است. آنها روی خواستهای خود پافشاری کرده و برای بازگ کردن مسائلشان به کمیته امام رفتند.

و پیمان اعتصابات کارگری، کارکنان شرکت سهامی نوردنیز بسرکار بازگشتند. اما چون اوضاع کار تا حدودی آشفته و بی نظم بود از طرف کمیته ای امام دوفنبر برای سروصورت دادن به کارخانه کارخانه آمدند. بعد از سخنرانیهای انجام شده نمایندگان کمیته به کارکنان کارخانه پیشنهاد کردند که برای حفظ و حراست اسناد و دفاتر کارخانه نمایندگانی انتخاب کنند. طبق پیشنهاد ما مورین کمیته قرار بود هر یک از گروه ها - یعنی کارگران، کارمندان فنی و مهندسی و روسا دونا ینده برای اینکار انتخاب نمایند. این موضوع بیشتر کارکنان کارخانه را در بحث و برنامهریزی درگیر کرده به پیشنهاد و اصرار کارگران بالاخره قرار شد که کارگران چون تعدادشان زیاد است ۴ نماینده داشته باشند و کارکنان فنی، مهندسی و روسا برویهم چهار نماینده، با این طریق یک شورای مشترک ۸ نفری تشکیل گردید که مسئولیت حفظ و حراست دفاتر کارخانه را بعهده گیرد. اما بقیه در صفحه ششم

کامندیدای نما یندگی در سندیکای معرفی شده بودند که اساساً می شان روی دیوار نوشته شده بود و بقیه کارندیدها با یدتا ۱۷ خرداد معرفی و تا ۲۵ خرداد در جلسه ای شرکت کنند. کارگران در طول جلسه دودختر چادروروسری دارا متهم میکردند که سهام یادداشت برداشته و این مطالب کذب را به آن مجله "چپ" نما گزاری میکنند. کسی هم که مجله را در حیات پخش میکرد بهنگام بحث در جلسه بعلمت پرخاش کارگران فراری میشود. کارگران سخت معتقد به استقلال فکری و عدم وابستگی به خارج وایدولوزیهای تزییقی و تحمیلی هستند و متحدان چپهای قلابی را محکوم میکنند. یکی از مسئولین شورای ۱۵ نفره مدام علیه سرمایه داری و سرمایه داران صحبت میکند. در بیرون خانه ای کارگر نیز روزنامه صدای کارگر به کارگران مجانابه میدهد و کارگری سئوال کرد که چرا شما مجانی میدهد مگر عاشق چشم و ابروی ما هستید و اطلاق ما را چرا شما تقلید میکنید و پول اینهارا کسی میدهد!

همارزات کارگران و کارکنان شرکت حمل و نقل ایران سرعت

شرکت حمل و نقل ایران سرعت ۱۸ کارگر، ۱۹ کارمند و ۵۷ راننده دارد. کارکنان این شرکت دارای سابقه مبارزه سیاسی طولانی بوده و در مراحل مختلف انقلاب اسلامی ایران شرکت فعال داشته اند. چهارپانچ نفر از کارمندان شرکت از مدت ها قبل از واقعه ای قم به شما نویسی در محل شرکت، میرداختند و کارگران نیز که از رژیم گذشته دل خونی داشتند یکبار که ما مورین شهرداری بمنظور تحریک یک سالن به محل شرکت آمده بودند با آنها بزد و خوردپرداختند که منجر به مجروح شدن چندین نفر گردید. بعد از واقعه قم، کارمندان شرکت به فعالیت های تبلیغاتی

وسیعتری دست زدند و از عید فطر ۱۳۵۷ ببعدهمبارزات و اعتصابات کارگران شرکت بطور عموم آغاز گردید. آنها در کلیه مبارزاتی که بالاخره به مبارزات مسلحانه روزهای ۲۱، ۲۲ بهمن انجام میدادند فعالانه شرکت نمودند و در نوا از آنها هم در این مبارزات هدف گلوله دژخیمان شاه قرار گرفتند. بعد از پیروزی انقلاب، کارکنان شرکت برای برطرف کردن نابسامانیهای که در محل کارشان وجود داشت وارد عمل شدند و خواستهای خود را نظیر برخوردارشدن از حق مسکن، سود ویژه، حق خواربار و غیره با اولیای شرکت در میان گذاشتند. کارگران شرکت حمل و نقل ایران سرعت در بقیه در صفحه چهارم

تاکسیرانان و مدیرعامل تعاونی و سندیکا، حق ما را خورده اند و بسر کناری شخصی بنام محمد علی وصال شیرازی رئیس تعاون شهری را خواستار بودند. آنها میگفتند که تجربه ای تمام کارگران عموماً نشان داده است که باید هر طبقه برای احقاق حق خودش قیام بکنند و تاکسیرانان هم جزو جامعه ای کارگر هستند و باید از بیمه درمانی - حق مسکن - وام کارگری برخوردار شوند. مقامات دولتی باید به تقاضاهای مشروع ما رسیدگی کنند. ما با کار طاقت فرسای ۱۶ ساعت در روز لقمه ای ناچیز جهت تأمین معاش خود و خانواده هایمان تهیه میکنیم و با تمام اعصاب و روح و روان و جان و مال خود مشغول خدمت بجای معنیه هستیم. آنها خواستار جلوگیری از کاراتوموبیل های شخصی، تشکیل سندیکای واقعی، کوپن بنزین، تشکیل مجمع عمومی برای انتخاب هیئت مدیره، اجازه معاملیه رسمی تاکسی های خریداری شده از شهرداری و اطلاق اصناف منطقیه، بیمه درمانی، صندوق رفاه، قرض الحسنه و تأمین مسکن و همچنین رسیدگی بوضع مسئولین شرکت تعاونی تاکسیرانان و با زرسی از اسناد و دفاتر شرکت تعاونی و تعقیب دزدان بیت المال از زمان سرگرد آذربرزین از طریق دادگاه انقلاب بودند.

یکی از اعضای شورای موقت میگفت که یکی از اعضای هیئت مدیره شرکت تعاونی بمنزل او آمده و با او صحبت کرده که حرفی نزنند و دخالتی نکنند تا او بتواند ساختمان خانه اش را تمام کند و با هم مقداری حق حساب پیشنهاد کرده است. در مورد وضعیت شغلی هیئت مدیره سئوال شد که گفتند آنها راننده نیستند مثلاً یکی از آنها دارای شغل فرهنگی است که با پارتنری بازی در زمان طاغوت توانسته این شغل را هم بگیرد و همچنین میگفتند که هیئت مدیره با بعضی دکانها ساخت و یاخت دارند و قطعات یدکی و لاستیک را به دکانهای شخصی میدهند و دکاندار هم جنس ۸۰ تومانی را ۱۸۰ تومان بمیافروشد و خواهان آن بودند که این

کامپی ۲ - عباس شریفی ۲ - غنی اصغر مینائی ۵ - اسحق بیگی را بعنوان شورای موقت شرکت تعاونی تاکسیرانان رشت انتخاب کردند تا مقدمات انتخابات برای هیئت مدیره جدید را فراهم سازند. پس از مذاکره نماینده ی رانندگان با استاندار گیلان، قطعنامه ای را تصویب کردند و ضمن تأیید نمایندگان خویش، متذکر شدند که چون کلیه خواستهای آنان مورد تأیید قرار گرفته و رئیس شهربانی به نمایندگی از طرف دولت قول برآوردن خواستهای آنان را در موعد مقرر داده است، آنها از ادامه توقف در استان داری خودداری کرده و مجدداً مشغول بکار خواهند شد. ماضن پشتیبانی از خواستهای رانندگان زحمتکش رشت، امیدواریم استان داری گیلان هر چه زودتر نسبت به برآوردن خواستهای بحق این زحمتکشان اقدام نماید.

قطعنامه کارگران بریجستون شیراز

روز سی ام اردیبهشت کارگران کارخانه بریجستون شیراز قطعنامه ای را تصویب کردند که طبق آن باید مهندسی و تکنیسینهای خارجی و کسانی که در این کارخانه مفتخوری میکنند اخراج گردند. این پیشنهاد توسط رئیس کارخانه به پیروی از گفته های آیت اله طالقانی مبنی بر بیرون راندن همه مفتخوران صورت گرفته است و کارگران با کمال میل آنرا امضاء کرده اند در ابتدا رئیس کارخانه طی صحبتی با یکی به کارگران گفت کسانی که حاضرند تا آخر سینه سپر کرده و به مبارزه برای کوتاه کردن دست مفتخوران از کارخانه بایستند این قطعنامه را امضاء کنند و الا پس بنشینند. کارگران هم اکثر آنرا امضاء کرده و در انتظار نتایج آن هستند.



بقیه شوراهای مشترک...

یک امپریالیسم آمریکا را از ایران برانند و با این طریق ستون فقرات سلطه‌ی آمریکا بر ایران را بشکنند ولی نفوذ آمریکا در ایران هنوز از بین نرفته است. هنوز ما مورین "سیا"ی آمریکا، بقایای ساواکو و سایر نوکران و جیره‌خواران آمریکا در ایران به فتنه‌انگیزی مشغولند هنوز بسیاری از سرمایه‌داران وابسته و فئودالهای قدیمی به تحریک و تجاوز و کارشکنی در نقاط مختلف مشغولند و بالاخره امپریالیسم تازه نفس شوروی از طریق سازمان مخوف کا.گ.ب و دارو دستنه کیا نوری سرگرم بسط و توسعه سریع نفوذ خود در ایران است. در چنین شرایطی تکمیل و تحکیم استقلال کشور که برای حیات آینده جامعه ما نقش تعیین کننده را بازی میکند تنها در صورتی امکان دارد که خلقهای ما موفق شوند تمام نیروهای خود را در بزرگترین جبهه‌ی واحد علیه این دشمنان بسیج و متشکل نمایند. اگر این موضوع را یک اصل کلی و مرحله‌ای انقلاب ایران بدانیم، آنوقت تمام سیاستها و برنامه‌های ما باید تابع این اصل کلی و سیاست مرحله‌ای انقلاب باشد. در این صورت تشکیل شوراها در واحدهای صنعتی نیز باید تابع این اصل بوده و در خدمت مرحله‌ی انقلاب ایران قرار گیرد. حال ببینیم آیا شوراهای مطلقا کارگری میتوانند در خدمت نیازهای مرحله‌ی کنونی انقلاب باشند؟ مخالفت با این شوراها بدلیل مختلف و از جوانب مختلف است. بعضی‌ها با آنها مخالفند چون مدعیانند که نمیتوانند از عهده اداره‌ی تولید برآیند. آنها میگویند کارگران بعلت کمبودهای تخصصی، مالی و غیره به تنهایی قادر به گرداندن چرخهای کارخانه نیستند. چنانچه تنها علت این باشد، روشنفکران انقلابی که زندگی خود را وقف پیشبرد جنبش زحمتکشان نموده‌اند مسائل تخصصی و مالی میتوانند در مدت زمان نسبتا کوتاهی حل شود. گروهی دیگر نیز مدعی‌اند

سندیکای کارگران...

سندیکای مذکور در ذهن کارگران باقی گذاشته بود، شورای مؤسس که از ۷ نفر از فعالین کارگری این صنف تشکیل شده بود، برای این بین بردن بی‌علاقگی و عدم اطمینان کارگران کتا بفروش و تقویست روحیه مبارزاتی در آنها، بر گزیدن ۲ نفر جهت بعهده گرفتن مسئولیتهای شورای مؤسس را نیز از طریق انتخابات انجام داد. از بین افراد مذکور، کمیته‌های تبلیغاتی بوجود آمده و وظیفه آنها مشخصا تشریح سندیکا و تبلیغ آن بین کارگران این صنف بود.

شورای مؤسس برای پیشبرد کارتشکیل سندیکا، با مشکلات دیگری نیز روبرو بود. اول، ماهیت کارکتابفروشیها بود که کارگران این صنف و نوع روابطشان با صاحبان کتا بفروشیها را از کارگران بخشهای تولیدی و روابط حاکم در آن بخشها، جدا میکرد. کارگران کتا بفروش در محیطی که محل رفت و آمد روشنفکران است کار میکنند و از طرف دیگر، تعدادی از صاحبان کتا بفروشیها نیز، تنها بخاطر مادیات، این حرفه را پیشه نکرده‌اند و بیش از آنکه مادی باشند، حداقل در حرکت اولیه شان مسائل مادی تا حدودی مطرح نبوده است. لذا، همین امر بر رابطه بین کارگران و صاحبان کتا بفروشیها تا ثیر گذاشته و آنرا تا حدی از رابطه مشخص کارگر و کارفرما دور میکند. دوم، تفاوت محیط کار کتا بفروشیهای مقابل دانشگاهها و کتا بفروشیهای منطقه بازار و شاه‌آباد سابق و حومه تهران است و نمیتوان گفت که کارگران کتا بفروشیهای شاه‌آباد، با زا رو حومه تهران، بر خلاف کارگران کتا بفروشیهای دانشگاهها، دارای خصلتهای دقیقا کارگری هستند. سوم، مسائل عقیدتی و ایدئولوژیک است که در دوران انقلاب به علت تا کید بر ضرورت وحدت کلمه، زیادمطرح نبود، ولی پس از پیروزی انقلاب تفاوتها و اختلافات ایدئولوژیک بها نه‌ای شد برای یک عده که از آن در جهت ایجاد تفرقه در بین کارگران سوء استفاده کنند. یکی از این افراد سعی کرد سندیکای جداگانه‌ای برای کارگران منطقه شاه‌آباد و بازار بوجود آورد. فکرتشکیل

برای مسئولیتهای سه‌گانه سندیکایی کا ندید شدند تا مجمع عمومی سندیکا که در ۱۸ خرداد تشکیل میشود، مسئولین مربوطه را از بین آنان برگزینند. کارگران کتا بفروش در حال حاضر، حوزه فعالیت خود را فقط در تهران قرار داده‌اند و با رشد و موفقیت سندیکا، این حرکت به سوی ایجاد سندیکای سراسری خواهد بود. هم‌اکنون بیش از شصت کتا بفروشی در مقابل دانشگاهها و بیش از ۴۰ کتا بفروشی در منطقه شاه‌آباد و بازار و ۲۰ کتا بفروشی نیز در حومه تهران وجود دارد و تعداد کتا بفروشیهای شهرستانها نیز بالغ بر ۲۵۰ کتا بفروشی است، این آمار تنها شامل واحدهای است که صرفا به کار کتا بفروشی یا انتشاراتی اختصاص دارند و نوشت افزارهای فروشیشان و مشا به آنها که بطور جنبی کتاب نیز میفروشند، در بر نمیگیرند از بین کل کارگران کتا بفروش تهران که متجاوز از یک هزار نفر اند و در نتیجه فعالیتهای شورای مؤسس و کمیته تبلیغات، در حال حاضر بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر از کارگران سندیکایی علاقمند شده‌اند و هنگام انتخابات، بیش از ۶۰۰ کارت توزیع شد. اهمیت این مسئله در این است که حدود ۶۰۰ نفر در این کارگاهها مشغول شده‌اند، مشخصا به منطقه خاصی تعلق نداشته و اکثریت کارگران را در بر میگیرد. کارگران کتا بفروش، بنا به ماهیت کار خود، بیش از هر گروهی دیگر با کارگران چاپخانه‌ها و مصاف‌ها ارتباط نزدیک دارند و در پیشبرد کار سندیکایی خود از تجربیات آنها در مورد تشکیل سندیکا استفاده زیادی کرده‌اند.

آنچه در زیر میآید، حاصل مصاحبه‌هایی است که با تنی چند از فعالین کارگری و تعدادی از کارگران کتا بفروشیها صورت گرفته است.

را بظه با کارفرما و تا مین شغلی:

در بخش‌هایی که رشد کرده و بصورت یک مجمع انتشاراتی - کتا بفروشی درآمد داشته‌اند، روابط کارگر و کارفرما حاکم است، اما در بخش‌های کوچکتر که در این صنف، عمده هستند روابط به شکلی کاملاً دقیق کارگر - کارفرما نیست و به همین خاطر، اجزای خفیه

حقوق کارگران هیچگونه ارتباطی با افزایش هزینه زندگی ندارد و تا مدت‌ها ثابت میماند. یک کارگر که ۵۰۰۰ تومان در ماه دارد، میگوید که پس از ۱۵ سال سابقه کار، فقط ۱۵۰۰ تومان میگیرد و تازه ۵۰۰ تومان آنرا باید بابت قسط بدهی خود به کارفرما پس بدهد. یکی از شگردهای کارفرماها برای آنکه کارگران را در چنگ خود داشته باشند، دادن وام (مثلا برای تهیه مسکن) و گرفتن سفته از آنهاست، با اینکار هم سرکارگر منت گذارده و خود را دلسوز و نشان میدهد و هم برای همیشه جلوی طرح خواستهای بحق او را میگیرند. یکی دیگر از شگردهای کارفرماها برای پابند کردن کارگر و ادا ماه استئما را و این است که یک موتورسیکلت در اختیار کارگری که در قسمت فروش کار میکند قرار میدهند و مبلغی به حقوق او اضافه میکنند (مثلا ماهانه ۱۰۰ تومان) و کارگر موظف میشود که خرج تعمیرات موتور را خود بعهد بگیرد و در صورت مفقود شدن موتور، در چند موردی که پیش آمده، کارفرما از کارگر مذکور طلب سفته کرده است. حقوق اینگونه کارگران از ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ تومان و بطور متوسط ۲۰۰۰ تومان است. کارگران کتا بفروش عمدتا شهرستانی هستند و عموما مسئولیت اداره خانواده‌ای را بعهد دارند و با هزینه سنگین اجاره‌خانه نیز بدوش آنها قرار دارد.

کارگران بیشتر کتا بفروشیها بیمه نیستند و پس از یک حادثه، هزینه درمان بعهد خود کارگرست و کارفرما در این موقع روابط فردی را فراموش میکند. پس از درمان، اگر کارگر نتواند ادامه کار را داشته باشد، پذیرفته میشود و کار خود را از سر میگیرد. در غیر این صورت براحتمال از طرف کارفرما کنار گذاشته میشود. در مورد آن دسته از کتا بفروشیها نیز که کارگران نشان بیمه هستند، کارفرما بخاطر آنکه حق بیمه کمتری بپردازد، در لیستی که به بیمه میدهد حقوق کارگر را خیلی کمتر از میزان واقعی آن ذکر میکند، و در نتیجه، اگر روزی کارگر بعلی اخراج شود برای مطالبه حقوق خود با مشکلاتی در مورد میزان واقعی حقوق روبرو میگردد. در عده‌ای که بیمه‌شان را از دست داده‌اند، کارفرما، شکت،

مبارزات کارگران...

عین قاطعیت و سرسختی در مبارزه برای دستیابی به خواستهایشان از انضباط محکمی برخوردار بوده‌اند و با هرگونه اغتشاش و بی‌نظمی مخالفت کرده‌اند بطوریکه یکبار وقتی تعدادی عوامل چپ‌نما برای بهره‌برداری از مبارزات آنها علیه کارفرما بمحل شرکت آمده و مشغول تحریکات شدند کارگران آنها را از محل کار خود بیرون راندند.

از جمله خواستهای عمده کارکنان، ححق شرکت در اداره امور کارگاه بود. بعد از چند جلسه سخنرانی و بحث در این مورد بالاخره با موافقت مدیریت، یک شورای هفت نفره مرکب از سه کارگر، یک کارمند، دو راننده و یک نفر از روسا شرکت تشکیل گردید و به مذاکره با کارفرما برای انجام خواستهای کارکنان شرکت پرداخت. از جمله خواستهای کارکنان رسیدگی به وضع در حدود ۶۰ نفر از کارکنان شرکت بود که کارفرما قبل از پیروزی انقلاب به بهانه‌ی کمی کار آنها را بدون پرداخت هرگونه پولی اخراج کرده بود. اما مذاکرات شورا با کارفرما به نتیجه نرسید و در نتیجه شورای کارکنان شرکت به وزارت کار رشکایت نمود. وزارت کار سه نفر را برای رسیدگی به اختلافات به محل شرکت فرستاد و بعد از مذاکرات مفصل با این نتیجه رسیدند که کارکنان اخراجی در یافت تمام مزایای اخراج شدن ۷۰ درصد حقوق خود از زمان جیکاری تا یکماه بعد از توافق از شرکت بروند. کارفرما در ضمن توافق نموده که خواستهای رفاهی کارکنان را نیز از جمله دریافت حق مسکن، حق خواربار، سود ویژه، عیدی و غیره برآورده نماید. ولی بعد از این توافق کارفرما مرتباً از پرداخت مطالبات کارکنان شرکت طفره رفته و مرتباً مرز و فرود می‌نمود. در نتیجه کارکنان شرکت به رهبری شورای منتخب وارد مبارزه شدند و بالاخره کارفرما را مجبور کردند تا با آنها وکالت بدهد که بتوانند طلبهای شرکت را از طلبکاران دریافت نموده و صرف پرداخت مطالبات کارکنان شرکت بنمایند. ولی کارفرما در مورد خواستهای دیگر کارکنان شرکت همچنان مشغول طفره رفتن است و قصد دارد بطریقی شرکت را منحل نماید تا با فشار کارکنان، شکت،

در مدت زمان نسبتاً کوتاهی حاصل شود. گروهی دیگر نیز مدعی اند که شوراهاى مطلقاً کارگرى قادرند کارهاى واحدهاى توليدى را بدست گرفته و آنرا بعنوان وسيله‌اى براى از ميان بردن سرمايه‌دارى و ريشه‌کن ساختن استثمار روبدست گرفتن قدرت دولتى بکار ببرند. اين نظريه نيز بنظر ما صحيح نيست چونکه از ميان ببردن سرمايه‌دارى و ريشه‌کن ساختن استثمار زردستور کار مرحله‌ى کنونى انقلاب قرار ندارد. چرا؟ زيرا براى درهم شکستن امپرياليسم و کسب استقلال بايد تمام نيروهاى خلق يعنى کارگران، دهقانان، کسيه، روشنفکران و ساير قشرهاى طبقه‌ى الاخره سرمايه‌داران ملي را که استقلال خواه هستند متشکل نموده و هرگونه کوششى در جهت رهايى خود ساختن سرمايه‌دارى بطورکلى تنها تضاد ميان طبقه‌ى کارگر و سرمايه‌دارى ملي را تشديد ميکند. در کشاکش ميان طبقه‌ى کارگر و سرمايه‌داران ملي، ساير اقشار نيز در گير خواهند شد و اين جبهه‌ى متحدان امپرياليسى را از ميان به‌دو نيم خواهد کرد. در صورت پيش گرفتن چنين برنامه‌اى طبقه کارگر بتدرىج منقرض شده و نيروى اصلى صرف مقابله با سرمايه‌داران ملي و اقشار متحدان خواهد شد. اين فرصت خوبى به امپرياليستهائى آمريکا و شوروى براى بسط نفوذ خود در ايران و درهم شکستن انقلاب کنونى خواهد داد. ولي تشکيل شوراهاى مشتزک نه تنها نقش تفرقه‌اندازى نخواهد داشت بلکه از بسيارى جهات نيز به پيشبرد انقلاب خدمت خواهد نمود، اين شوراها با ايجاد واحدهاى کوچکى که خود نمونه‌هاى از جبهه‌ى واحد هستند به توده‌ها درس اتحاد و هم‌زمنى خواهند داد. دوباين طريق امروزه خلق را پيش خواهند برد. اين شوراها با ايجاد واحدهاى سازمانى دمکراتيک باعث بسط و توسعه‌ى دموکراسى ميشوند و با اين طريق نيروهاى خلق هرچه بيشتر با يکديگر متحد شده و آمادگى بيشترى براى دفاع از استقلال کشور پيدا ميکنند. و بالاخره در اثر ايجاد اين واحدهاى

براي کارگران منطقه شاه آباد و با زار وجود آورد. فکر تشکيل سندیکاهاى متعدد و منطقه‌اى براى يك صنف، از ابداعات رژيم ضد خلقى سابق است که بخاطر ترس از اجتماع يکپارچه و متشکل و متحد شدن کارگران، "قانونى" گذراند که بر طبق آن، هر منطقه، بخش يا هر شکل کارى ميتواند سندیکاى جداگانه‌اى براى خود بوجود بياورد. مثلاً کارگران نانواشيان، موقعى که اجتماع ميکردند تا ۵ هزار کارگر جمع ميشدند و اين جمع يکپارچه چون سدى در مقابل کارفرماها و توطئه‌هاى رژيم مقاومت ميکرد. با اعمال "قانون" مذکور، سندیکايى يکپارچه کارگران نانواعماليه سندیکاهاى کوچکتر نماند بربرى، سنگگ، تافتونى و... تجزيه شد. کارگران کتابفروشيا با مراجعه به تاريخ و آموختن از آن، اين دسيسه ضد کارگرى را که مانع از تشکيل و اتحاد کارگران بود درهم شکستند و با کار ترويجى و توجيهى وسيع، توانستند کارگران بازار و شاه آباد را نيز به حرکت عمومى کارگران کتابفروشيا بکشانند. با چيره شدن بر مشکلات موجود و انجام کارهاى مقدماتى، سرانجام در تاريخ ۴ خرداد، مجمعى از نمايندگان کارگران در خانه کارگر تشکيل شده زيبين آنان ۳۸ نفر اقتصادى که در آن منافع تمام اقشار و گروههاى موجود (بغير از عناصر خائن و وابسته به امپرياليسم) در نظر گرفته شده است، حاکميت اقتصادى خلق بسط و توسعه مييابد. اين امر بدون شک سبب تعديل استثمار روبه‌بود نسبي وضع زحمتکشان خواهد گرديد. نتيجه اينکه اتحاد خلق با زهم بيشتر تقويت شده و استقلال کشور با زهم بيشتر تحکيم خواهد گرديد. ما اميدواريم که روشنفکران انقلابى و کارگران پيشرو ما با توجه به مرحله کنونى انقلاب به تشکيل هر چه وسيعتر شوراهاى مشترک کارگران و کارکنان واحدهاى صنعتى بپردازند و اين شوراها را نه تنها در خدمت حل کردن مسائل اقتصادى واحدهايشان بلکه در خدمت تعميق و توسعه انقلاب ايران قرار دهند.

دقيق کارگران و فرماى نيسو به همين خاطر، اجازات خيلى بيشترى به کارگران ميشود. يعنى به خاطر "حسن روا بطنى" که وجود دارد و "حسنش" بيشتر از طرف کارگروه ضررا و بيه نفع کارفرماست، کارفرما مطرح ميکند که بسترى "پيشرفت فرهنگ" با يکديگر بيشترى کرد و مغازه را با زکذاشت با خاطر همين نوع غالب روا بطنى است که ساعات کار کارگران، ميزان حقوق، تعطيلات سالانه، تا ميين شغلى و بيمه کارگران وضع ثابت و مشخصى ندارد. حتى بسيارى از کارگران از تعطيلى روز جمعه هم استفاده نميکنند و بدون آنکه از مقرراتى که "قانون" کاربراي اضافه کارى تعيين کرده است بهره‌اى ببرند، در اين روز نيز کار ميکنند. هر حرکت فردى کارگر و طرح ساده ترين خواست، با عکس العمل شديد کارفرما و اخراج کارگر روبرو بوده است. کارگرى که اخراج ميشود، اگر اسمش در ليستى که از طرف کارفرما بيه وزارت کار فرستاده ميشود، قيد نشده باشد، در مورد مطالبه حقوق اخراجش موفق نميشود. مواردى پيش آمده که يک کارگر پس از اخراج، وقتى براى کار به کتابفروشى ديگرى مراجعه کرده است، صاحب کتابفروشى تلفنى با کارفرماى قبلى تماس گرفته و در صورت رضايت و موافقت او، کارگر را ميرد را استخدام کرده است. محيط کار کتابفروشيا نسبتاً پاکيزه است، با اين تفاهوت که کارگرانى که در آنها کار ميکنند، بعلت قرارداد داشتن بيشتر آنها را در زير زمين، محيط کارشان محيطى بسته و آلوده و فاقد نور كافى و هواى سالم ميباشد. حقوق:

ميزان حقوق در شروع کار مشخص نيست و وجود نا تشجويان بيکار و استفادها از آنها در کتابفروشيا بر حداقل حقوق کارگران کتابفروشيا تاثير ميگذارد. حداقل حقوق در حال حاضر ۱۲۰ تومان است که با توجه به بالابودن هزينه زندگى و گرانبهاى اجاره مسکن، اصلاً باقى نميرسد.

واقعى حقوق روبرو ميگردد. در مؤسسه اميرکبير که بيش از ۱۰۰ نفر کارگر دارد، حقوق کارگر در دو ليست جداگانه پرداخت ميشود. مثلاً اگر حقوق کارگرى ۳۰۰ هزار تومان است، هزار تومان نش را در ليستى که براى وزارت کار و بيميه ميفرستند قيد ميکنند و هزار تومان بقيه را در ليست ديگر. اميرکبير، براى ايجاد تفرقه بين کارگران، به بعضى از کارکنان، علاوه بر آنچه که مطابق دوليست مذکور در يافت ميکنند، مبلغى هم اصطلاحاً بصورت "پاکتى" ميدهد، و اين "پاکتى گرفتن" باعث ميشود که شخصى که پاکت را ميگيرد، خواستش از بقيه کارگران جدا شده و از منافع عمومى کارگران حمايت نکند.

مرخصى سالانه و تعطيلات:

کارگر کتابفروشى را نه کارگر بحساب مياورند و نه کارمند، و در نتيجه هيچکدام از تعطيلات رسمى شامل حال او نميشود، و فقط در مواردى که راهى ديگر براى کارفرما وجود نداشته باشد با اجازت تعطيل ميکند. مرخصى سالانه هم عملاً وجود ندارد، مگر اينکه بسته به "لطف" کارفرما ۳، ۴ روزى زائد در سال، کارگر مرخصى بگيرد.

کارگران و سندیکا:

کارگران کتابفروشى که با اتحاد و تشکيل خود، سنگينايى سندیکاى واقعى خود را گذاشته اند، انتظار دارند که اين سندیکا براى تحقق خواستهاى بحق آنها مبارزه نمايد و علاوه بر آن، فعاليت اين سندیکا نبايد در حد تا ميين نيازهاى مادى کارگران باقى بماند بلکه بايد برنامه‌هاى براى باسواد کردن کارگران، بالابردن سطح آگاهى آنان و اشاعه و ترويج فرهنگ کارگرى در بين کارگران اين صنف، تهيه نمايد.

برخورد کارگران به وضع موجود و انتظارها:

کارگران کتابفروشى، مثل همه طبقات و اقشار خلقى، در انقلاب سهم بوده اند و در گرما گرم انقلاب بمدت ۲ ماه در حال تعطيل و

قصدها رديبطريقى شرکت را منحل نمايد و با فروش کاميونهاى شرکت، سرمايه خود را بدست آورد. کارکنان که از قصدها فرما، آگاه شده بودند با وزارت کار تماس گرفته و با معاون وزير و مشاوران وزير مذاکره نمودند. اوليا وزارت کار قول دادند که در صورت اقدام کارفرما به بستن شرکت وزارت کار را ساوارد عمل شده و شرکت را مجدداً ز نمايد. در اواسط ارديبهشت ماه ۱۳۵۸ شوراى کارکنان شرکت منحل شد و بجای آن سندیکايى کارکنان شرکت فعالانه کارگران تشکيل گرديد. در انتخاباتى که بدین منظور انجام شده، نماينده از طرف کارکنان شرکت انتخاب شدند که ۵ نفر آنها بعنوان هيئت مديره، دوفرعضو على البدل و سه نفر بعنوان بازرس تعيين گرديدند. ميباشد وزارت سندیکايى کارکنان شرکت با کارفرما هنوز ادامه دارد و کارکنان قصدها رند در صورت لزوم دست به اعتصاب و تحن در محل شرکت بزنند.

اعتصاب بسر ميبردند. دستگيريهائى هم در دوره حکومت نظامى از بين کارگران کتابفروشى صورت گرفت. در حال حاضر، کارگران خواستهاى دارند که براى تحقق اين خواستها متحد شده و اقدام به تشکيل سندیکايى واقعى خود نموده اند.

از طرف ديگر رفتارى که در روزهاى اخير از طرف بعضى افراد و گروههاى تنگ نظر و بعضاً ضد انقلابى در برخورد به کتابفروشيا و کارچاپ و نشر کتاب صورت ميگيرد و منجر به تعطيل تعدادى از کتابفروشيا در شهرستانها شده نگرانيتهاى را براى کارگران بوجود آورده است و کارگران مصرأ ميخواهند که جلوى اين اعمال ضد فرهنگى از طرف دولت گرفته شود.

ما اميدواريم سندیکايى نوپايى کارگران کتابفروشى ها مستحکم گشته و گسترش يابد و بتواند هم وسيله اى براى دفاع از حقوق اقتصادى اين کارگران باشد و هم ابزارى براى بسيج و متشکل کردن آنها جهت شرکت در مبارزات ضد امپرياليسى خلقهايمان.

قطعه نامه روستائیان آواره شده

نعل شکن ، کس نزان و قزالبلاغ

ما نمایندگان بیست و دو (۲۲) خانواده از کشاورزان روستاهای نعل شکن ، کس نزان و قزالبلاغ که توسط فئودالهای مرتجع و ستمگر این روستاها به نامهای عباس مظفری ، غالب مظفری و یحیی امینی و یدالله و عبدالله مرادی ، با تهدید اسلحه از خانه و زندگی و زمینهایمان آواره شده و در دیواندرد و اطراف آن سرگردان هستیم ، تا برآورده شدن خواستههایمان از تاریخ ۲۱/۲/۵۸ در دادگستری سنندج تحصن اختیار کرده ایم . ما از تمامی مردم شرافتمندسنندج و نیروهای مترقی و مردمی تقاضای پشتیبانی داریم و از مقامات مسئول میخواهیم که در اسرع وقت خواستههای ما را برآورده ساخته و فئودالهای ظالم مذکور را به مجازات اعمال غیرقانونی و ضد انسانی خود برسانند. خواستههای ما عبارتند از:

- ۱- بازگشت فوری به خانه و زندگی و زمینهای خود و پرداخت کلیه خسارتهای وارد شده به ما .
 - ۲- گرفتن تعهد کتبی از عباس مظفری ، غالب مظفری ، یحیی امینی ، یدالله و عبدالله مرادی که هیچگونه مزاحمت و تهدیدی برای ما فراهم ننمایند . مسلم است که نامبرندگان مسئول هرگونه اتفاقی خواهند بود که برای ما رخ دهد .
 - ۳- اداره امور روستاهای فوق از مالکان مرتجع سلب و بعهده شوراهائی از خود روستائیان واگذار گردد .
 - ۴- قطع رسومات اربابی و بهره مالکانه و تمام اشکال بهره‌کشی فئودالی و عدم جلوگیری از چرای احشام مادر مراتع روستاهای فوق .
 - ۵- حمایت همه جانبه دولت از ما در مقابل هرگونه تهدید و فشار مالکان زورگو .
 - ۶- ما خواستاریم که فئودالهای نامبرده در خانه‌های خود در شهر سکونت کنند و از آمدن آنها به روستاها جلوگیری بعمل آید ، چراکه وجود آنها در روستا منشاء اختلاف و چنددستگی و خونریزی است .
- نمایندگان کشاورزان آواره شده روستاهای نعل شکن ، کس نزان ، قزالبلاغ

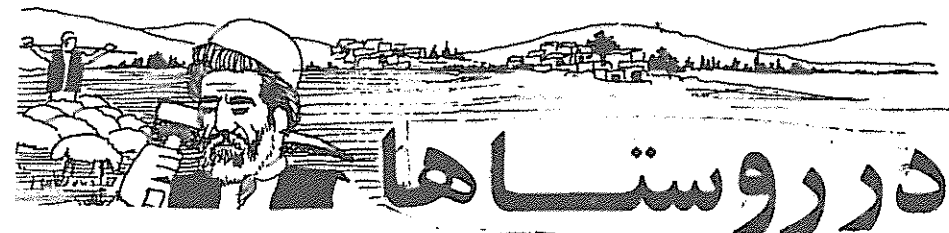
روستائیان پاسارگاد (مادر سلیمان)

خواهان رسیدگی به مشکلاتشان هستند

روستای "مادر سلیمان" در ۱۲۰ کیلومتری شیراز بین راه شیراز و اصفهان قرار دارد و بارها روستاهای ابوالوردی ، کورشول ، قادری آباد ، مرغاب ، ده نیو و مبارک آباد یک بلوک روستائی را تشکیل میدهد. ده "مادر سلیمان" همان پاسارگاد ، قبرگوروش هخامنشی ، است . در جریان برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله ، رژیم منفور پهلوی ۱۲۰ هکتار از زمینهای روستائیان را که در اطراف قبرگوروش قرار داشت ، به زور سرنیزه از آنها گرفته و دورش را سیم کشید و هیچکس حق ورود به آنها نداشت .

دهقانان آسیب دیده و بیش از ۱۵۰ هکتار دیگر هم در معرض خطر نابودی است . روستائیان برای جلوگیری از سیل و همچنین خرید لوازم کشاورزی ، سرمایه‌ی لازم را ندارند. آنها از قیمت خرید محصول نیگز شکایت دارند . دهقانان میگویند اگر دولت بیا کمک کند و وسائیل کشاورزی در اختیار ما بگذارد و محصولات را با قیمت خوب بخرد ، باعث تشویق ما خواهد شد و ما میتوانیم میزان محصول را به چند برابر برسانیم .

ما از خواستههای بحق دهقانان "مادر سلیمان" که در جهت رفیع



وزارت کشاورزی پاسخ گوید:

با دهقانان علیه غاصبین یا با غاصبین علیه دهقانان؟

اخیرا وزارت کشاورزی طی اطلاعیه‌ای تصرف عدوانی اراضی و تاسیسات در روستاها را غیرقانونی اعلام کرده و در مواردی که متصرفین دهقانانی باشند که در جریان اصلاحات ارضی زمین گرفته‌اند، آنها را تهدید به بازپس گرفتن زمینهایشان نموده است .

گرچه این اطلاعیه طوری تنظیم شده که در مورد تصرف بزور زمین دیگران ، بازپس گرفتن هم شامل اربابها و هم دهقانان میگردد ولی در عمل سیاست وزارت کشاورزی در بسیاری از نقاط ، عدم قاطعیت در سرکوب فئودالهایی که زمینهای دهقانان را گرفته و آنها را آواره کرده اند بوده است . در حالیکه در مورد دهقانانی که زمینهای غصب شده‌شان را دوباره پس گرفته‌اند سیاست روشنی را در پیش نگرفته است .

بنظر ما این سیاست به ضرر ادامه و تعمیق انقلاب اسلامی بوده و در صورت پافشاری بروی آن موجب تضعیف پایه‌های دولت جدید و ایجاد زمینه برای رشدنا رضائی وسیع دهقانان از دولت خواهد شد. مسئله زمین و مناسبات تولیدی در روستا یک ارتیه تاریخ ، یک ارتیه شوم رژیم پهلوی است . رژیم پهلوی نماینده امپریالیستها و حافظ منافع آنان در ایران بود . رژیم پهلوی نماینده ارتجاعیترین طبقات یعنی سرمایه داران وابسته بوروکراتها و زمینداران بزرگ بود . بنا بر این انقلاب ایران نمیتواند بنا بر زمین بردن و سرنگون کردن رژیم سابق ، نهادهای

انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی با پرچم روشن دفاع از مستضعفین بدرستی سمت عدالت اجتماعی و دفاع از زحمتکشان را داشته است . دهقانان فقیر و میانجی حال ، خوش نشینان ده از ستمکش ترین طبقات جامعه ما هستند ، آنها قرنهای متمادی ستم فئودالی را کشیده‌اند ، وزیر چکمه فئودالهای خونخوار دست و پا زده و مبارزه کرده‌اند ، اصلاحات ارضی نیز بنده دیگری بود بدست و پایی این زحمتکشان روستائی مختصر آبی که بر آتش خشم این توده‌های ستمدیده که میرفت خرم هستی امپریالیستها را به آتش بکشید ،

نامه‌ای از طرف گروهی از دانشجویان و آموزگاران عشایر قشقائی

هیئت تحریریه محترم رنجیر

از آنجائی که روزنامه شما مقالات و اخبار زیادی در باره ساواکیهای عشایر نوشته ، پشتیبانی از شما دوستان خواهش داریم خواهش های ما را نیز برای آگاهی عموم بنویسید .

هموطنان مبارز و برادران غیور عشایر - اینک که در بهار آزادی حتی بلبلان نغمه های آزادی میسرابند ما هم به خود میبالیم که فریادهای حبس شده در سینه خود را برون آورده و بیوغ ننگین استعمار را از بیخ کنده و آثارش را سرنگون سازیم . ما هنوز شاهد خونخواری و تاخت و تازهای فئودالهای عشایر هستیم . هنوز بیوغ و زنجیر استعمار و ارباب رعیتی در میان ما عشایر رنج دیده و زحمتکش خود نمائی میکند ما جوانان عشایر از طبقات رنج دیده کشور بخصوص از رهبران وطنمان برای از بین بردن با زماندگان طاغوت و رژیم ارباب رعیتی طلب حمایت مینماییم . اینان سالیان درازی چون زالوی خون آشام خون مردم زحمتکش عشایر را مکیده و از خون پاک جوانان کاخ ظلم برپا داشته اند و در خدمت رژیم منفور پهلوی و سازمان ضدانیت ساواک بوده اند .

به چندی از کارهای آنها اشاره میکنم .

- ۱- استحکام شالوده ارباب رعیتی و خان خانانی در میان طبقات محروم عشایر که گوئی ما برده آنها هستیم .
- ۲- تقسیم اراضی بیلاقی و قشلاقی بدلخواه خود بین خشنود و اطرافیانشان و یا بصورت اجاره به زحمتکشان .
- ۳- آیا شایسته است زحمتکشان عشایر که سالیان دراز عمر خود را در فراز و نشیب کوهها و دره‌های بیابان میگذرانند هیچگونه بهره‌ای نداشته باشند ، خانه‌ها از همین زمینها بخاطر چرایی گوسفندان فقط حق مرتع دریافت

نمیوانند از زمین بردن و سرخون کردن رژیم سابق، نهادهای اقتصادی را که پایگاه طبقاتی رژیم گذشته بود، دست نخورده باقی گذاشته و تغییرات بنیادی و اساسی را در زیربنای جامعه بوجود نیاورد. در جریان هر

دهقانان و نداوه (اصفهان)

خواهان کوتاه کردن دست عمال رژیم سابق از زمین و زندگیشان هستند

ونداوه در ۸۰ کیلومتری اصفهان قرار دارد. در این ده حدود ۴۰۰ خانوار زندگی میکنند. کشاورزان این ده اکثراً دهقانان فقیر بوده و در حدود یک الی دو هکتار زمین دارند. با توجه به کشاورزی عقب نگه داشته ایران کشاورزان قادر نیستند از تمام زمین خود همه ساله بهره برداری نمایند. زمینی که امسال کشت میشود، سال دیگر قابل کشت نیست و باین علت اکثر دهقانان هر ساله فقط قادرند نیمی از زمین خود را کشت کنند. بعلاوه پائین بودن سطح محصول و عدم کفایت مالی خانواده عده ای از کشاورزان یا به ترک کشاورزی و مهاجرت به شهرها پرداخته یا بکارهای دیگر از قبیل رانندگی و مغازه داری و غیره پرداخته اند و عده دیگر هم که روی زمین خود کار میکنند مجبورند به کارهای دیگر نظیر کارهای ساختمانی و غیره بپردازند.

روستائیان و نداوه چه میگویند: این ده با کمبود آب روبرو است. رژیم گذشته بما اجازه نمیداد از زمینها استفاده کنیم البته اگر زمین هم داشتیم بعلاوه نداشتن آب قادر نبودیم زمین را کشت کنیم. در این ده یک قنات وجود دارد که کفاف زمینهای آنجا را نمیکند و بعلاوه کمبود بارندگی، دیم کاری هم نمیتوانیم بکنیم. رژیم گذشته اجازه نمیداد از علف صحرا برای احشام خود استفاده کنیم. بعضی از افراد که قادرند گاوی داشته باشند، مجبورند تمام سال از علف و گاه خریداری شده استفاده نمایند. رژیم سابق

نمیوانند از زمین بردن و سرخون کردن رژیم سابق، نهادهای اقتصادی را که پایگاه طبقاتی رژیم گذشته بود، دست نخورده باقی گذاشته و تغییرات بنیادی و اساسی را در زیربنای جامعه بوجود نیاورد. در جریان هر

بما اجازه نمیداد از بونه های خشک شده برای پختن نان استفاده نمائیم. ما حتی مجبور بودیم برای پختن نان هیزم بخریم. از این رو زندگی گذشته ما شدیداً تحت فشار بود. مادر گذشته امیدی به بهبود وضع خود نداشتیم و بهمین خاطر فرزندان خود را که بزرگ میشدند روانه شهرهای میگردانیدیم. ولی حالا امیدواریم دولت کمک کند و حتی ما، خود کوششی را برای رشد کشاورزی و استفاده از زمین های بایر برای کشت محصول آغاز کرده ایم. در این ده شخصی که با ساواکی معروف عبدالوهاب شهیدی مناسبات نزدیکی دارد به چپا و غارت روستائیان میپردازد. او بعلاوه امکاناتی که داشته و نزدیکی با رژیم سابق دست به حفر یک چاه میزند که حدود ۸ اینچ آب میدهد. او پس از زدن چاه با کاشتن چند درخت در اطراف زمینها دست به تسخیر تمامی زمینهای ده میزند و همچنین با توجه به نیاز مردم ده با آب، آب این چاه را به ۶۴ قسمت تقسیم کرده و هر قسمت آنرا (نیم طاق) به ۴۵ هزار تومان به اهالی میفروشد (هر طاق آب یک هکتار زمین را آبیاری میکند). با توجه به هزینه حفر چاه که برایش ۲۰۰ هزار تومان تمام شده او از افرادی حدوداً ۳ میلیون تومان اخاذی کرده است و حتی با این غارتگری بیشرمانه خود ادعا دارد که آب را کرده و به خود بر چسب افتخار میزند. بعد از انقلاب، مردم ده دست به تشکیل کمیته ای میزنند و اولین اقدام اهالی شکایت از این شخص و رسیدگی به وضع اوست. دهقانان خواستار استرداد پولهای خود

سیم کشید و هیچس حق ورود به آنها نداشت. اکنون دهقانان "مادر سلیمان" از دولت میخواهند که این زمینهای غصب شده آنها را به خودشان باز گرداند. همچنین بعلاوه جاری شدن سیل، مقداری از زمینهای زراعی

هستند. از طرف دیگر آنها با اتکاء به نیروی خود، دست به حفر چاهی زده اند و یکی از افراد داوطلبانه موتور کامیون خود را از ماشین جدا کرده و برای آزمایش به سر چاه میاورد و بتوسط آن پس از دوروز مردم موفق میشوند آب چاه را به سطح زمین برسانند. در ونداوه درمانگاههایی موجود است ولی در شسته است. اهالی میگویند با راه اتفکات افتاده که مریضی تا قبلاً از رسیدن به بیمارستان در اصفهان تلف شده است. مردم این ده میخواهند دولت با آنها همکاری کرده تا دست افراد وابسته به رژیم و کسانی که کاری جز سر کبسه کردن مردم ندارند ز سرشان کوتاه گردند تا محیط دهشان را خود شکوفان سازند. اهالی و نداوه میگویند ما قادریم نه تنها احتیاج خود را، بلکه چند برابر احتیاج خودمان را برای مردم وطن خود کشت نمائیم. خواست روستائیان و نداوه ۶ هزاران روستای دیگر خواست های محقانه دهقانان از دولت ملی است، رئوس مهمترین این خواستها عبارتند از: کوتاه کردن دست فئودالها، زمینداران بزرگ و غارتگران و ربا خواران از روستاها، تقسیم اراضی زمین های افراد وابسته به رژیم سابق، کمک های مالی دولت در جهت احداث چاه ها و قنات، وام های طویل المدت و بدون بهره به روستائیان برای توسعه کشاورزی و استقلال اقتصادی.....

از خواهانهای بحق دهقانان "مادر سلیمان" که در جهت رفیع ظلم های رژیم سابق و برای تقویت تولید کشاورزی و در خدمت استقلال اقتصادی کشور از امپریالیستهاست، پشتیبانی میکنیم و از دولت آقای بازرگان و وزارت کشاورزی می خواهیم به خواستهای بحق و مشکلات این روستائیان شریف و زحمتکش توجه جدی نمایند.

عشایر فارس دخالت امپریالیسم آمریکا را محکوم کردند

بدنیال قطعاً مه سنای آمریکا در محکوم کردن دادگاههای انقلاب اسلامی، موج تنفر عمیقی بر علیه دخالت امپریالیسم خوانخواه آمریکا در سرتاسر میهن ممان بوجود آمد. در روز جمعه ۵۸/۳/۴ عده ای از عشایر مقیم فارس دست به راهپیمایی سه ساعته ای در اعتراض به دخالت امپریالیسم آمریکا زدند. این تظاهرات که از فلکه ستاد شروع شد از خیابانهای زند، داریوش، لطفعلی خان زند، شاهچراغ گذشته و تا محل برگزاری میتینگ سازمان مجاهدین خلق ادامه پیدا کرد. در طول تظاهرات هر لحظه بر تعداد جمعیت افزوده گشته و بخصوص با نزدیک شدن به محلات کارگری و فقیرنشین صف راهپیمایی طولانیتر میگردد، در جلوی صف عکسی از امام خمینی و شعاری تحت عنوان "ما قاطعانه از آراء دادگاههای انقلاب اسلامی پشتیبانی میکنیم" حمل میشد، شعارهای دیگر عبارت بودند از: دست تارا جگریانکی از ایران کوتاه دخالت بیگانه محکوم باید گردد، مزدور آمریکایی اعدام باید گردد، ساواکیهای عشایر اعدام باید گردند، دادگاه انقلاب مظهر عدل و داد است. آمریکا، اسرائیل دشمنان خلق ما، امپریالیستها از ایران اخراج باید گردند. اکثریت شرکت کنندگان را زحمتکشان عشایر تشکیل میدادند.

از همین زمین ها بخاطر چرایی گوسفندان فقط حق مرتع دریافت دارند؟

۴- همین خون آشامها بودند که پیشاپیش ژاندارمهای رژیم طاغوت جنبش ملی جنوب را به خاک و خون کشیدند و بهترین جوانان و عزیزترین مردان ما را قتل و عام کردند و پاداش سنگین از ارباب خود دریافت داشتند. عده ای نه خدمت دربار درآمدند و برای غلامرضا پهلوی گوسفند و زمین و غیره خریدند و یا بصورت میرشکار برادر شاه بنای تاخت و تاز را گذاشتند. در حوزة های نظام وظیفه، هرساله مبالغ هنگفتی بجهت خود ریختند و از هر طریق از مردم اخاذی نمودند و زمین های مردم را بزور گرفتند.

اکنون که با همت بزرگ مردم تحت رهبری رهبر بزرگ حضرت آیت الله خمینی آزادی بدست آورده ایم کوچکترین تغییری در وضع این نوکران رژیم سابق بوجود نیامده و خودسری را دوجندان کرده اند و در خیلی جاها با اعضای کمیته ها نیز در ارتباط نزدیکند.

برای اطلاع شما دوستان عزیز باید بگوئیم حتی یک نفر از ساواکیهای قشقاتی برای یک بازجویی کوچک هم دستگیر نشده اند در صورتیکه دهها ساواکسی سرشناس مانند قاسم دبیری معاون ساواک مشهد، منوچهر نجفی معاون ساواک اصفهان، کرمی رئیس ساواک فیروزآباد، سهراب کشکولی، هوشنگ نیرومند کشکولی، ایرج قراچه، حبیب جعفر بیگلو، فتح الله جهانگیری، حبیب گرگین پورو بزرگترین آنها جاسوس "سیا" بهمن بیگی هنوز راحت و آسوده در میان ایل هستند و این افراد از عده ای بقیه در صفحه ششم

این راهپیمایی با شور و شوق برگزار گشته و در واقع اولین عمل متشکل عشایر مقیم شیراز در بعد از پیروزی انقلاب و نشان دیگری از رشد آگاهی سیاسی عشایر غیور فارس بود.



چک تجربه موفق دیگر...

در عمل شورای مشترک ۸ نفره نه تنها وظایفی را که کمیته امام بعهدہ اش گذاشته بود انجام داد بلکه بتدریج قدرت بیشتری یافت و بالاخره نقش هیئت مدیره کارخانه را بعهدہ گرفت. بعضی از اقداماتی که با تصویب شورای مشترک انجام رسید عبارتند از: ۱- تشکیل یک مجمع عمومی از نمایندگان کارکنان و سایر کارکنان شرکت که به نسبت تعداد هر گروه انتخاب میشوند. این مجمع یا شورا وظایف هیئت مدیره میان سطوح مختلف کارکنان را با شورای ۸ نفری بعهدہ گرفت. ۲- خلع ید ۷ نفر از روسای آژند کارخانه و بیرون کردن آنها از کارخانه. ۳- یک نفر را از کارکنان رولی از کارخانه اخراج نکردید. ۴- پائین آوردن ساعات کار هفتگی به ۴۰ ساعت. ۵- تعطیل کردن روزهای پنجشنبه علاوه بر جمعه. ۶- رسیدگی به آموزش بـرداری کارخانه. در این رابطه شورا چند چک مسافرتی و پاداشهای کلانسی را کشف کرده اند که در گذشته بعناوین مختلف به نورچشمیها پرداخت گردیده بود. ۷- آگهی کردن کلیه اموری که شورا انجام میدهد.

شورای ۸ نفره دونفر از مهندسی را برای نظارت کامل بر امور آسپزخانه و رستوران و رسیدگی دقیق به وضع بهداشت تعیین نموده است. تعدادی از کارگران نیز ما مور نظارت بر حفاظت کارخانه شده اند که بنوبت در تمام مدت ۲۴ ساعت انجام وظیفه میکنند. از موقع تشکیل شوراهاى مشترک بنا شورشوقی که کارگران و سایر کارکنان در پیشبرد ارتولید نشان داده اند تولید کارخانه نزدیک به دو برابر تولید گذشته آن شده است. اما چشرفت کارهای شرکت خالی از اشکال نیز نبوده است. مثلا کلیه حقوق کارگران پرداخت نشده است. آنها تنها بخشی از حقوق اسفند

آزشد سریع

کشور ارزش واقعی دلار را بدنبال داشته است. برای مثال اگر ارزش یک دلار (صد سنت) در سال ۱۳۱۸ را مبدا قرار دهیم، همین دلار امروزه یعنی در سال ۱۳۵۸ بیشتر از ۲۰/۲ سنت ارزش ندارد. هم اکنون ارزش دلاری که در دست مردم میباشد، کمتر از نصف ارزش دلار ده سال قبل است. جدول زیر نزول قدرت خرید دلار آمریکا را نشان میدهد.

سال	سنت آمریکا
۱۳۱۸	۱۰۰/-
۱۳۲۸	۷۱/۱
۱۳۲۹	۵۷/۷
۱۳۳۲	۵۱/۷
۱۳۳۶	۴۹/۴
۱۳۳۹	۴۶/۹
۱۳۴۳	۴۴/۸
۱۳۴۷	۳۹/۹
۱۳۵۱	۳۳/۲
۱۳۵۲	۳۱/۳
۱۳۵۴	۲۵/۸
۱۳۵۶	۲۲/۹
۱۳۵۷	۲۰/۸
۱۳۵۸	۲۰/۲

در مقابل، تشدید فقر زحمتکشان در آمریکا که ناشی از بحرانهای اقتصادی و عواقب آن میباشد، هرروزه بر ثروت انحصارات آمریکائی که حاصل استثمار بیرحمانه زحمتکشان است، افزوده میگردد. در حالیکه از سال ۱۳۴۴ تا کنون درآمد واقعی زحمتکشان ۶/۸ درصد تنزل کرده است جمع کل سود شرکتهای انحصاری و سرمایه داری آمریکا از میزان ۹۸۹۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۴۴ به ۲۵۱۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ رسیده است. تشدید بحرانهای اقتصادی



نامه‌ای از طرف...

خونخوار فراری شهری نیز حمایت میکنند. ما جوانان زحمتکش عشاير با بی‌مبوری تمام از دولت جمهوری اسلامی خواستار آنیم که هرچه زودتر با زماندگان استعمار، ساواک و فتوئال حاکم بر طبقات رنج دیده عشاير را نابود کرده و ما را از زیر سلطه آنان نجات دهند. ما با تمام نیرو در سرکوب فدا انقلاب در خدمت دولت ملی خود هستیم تا ماهم بتوانیم در پرتو آزادی هدف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سیاسی خود را زیر پرچم میهن عزیزمان شمر بخش سازیم. اگر از طرف دولت اقدامی جهت سرکوب این ساواکها و فتوئالها نشود ما خود جوانان عشاير جهت سرکوبی این افراد اقدام گسترده ای را عمل خواهیم نمود. نا بود بر چیده باد حکومت ظالمانه فتوئالی و خانانسی مرگ بر امپریالیستها و عمالشان از طرف گروهی از دانشجویان و آموزگاران عشاير قشائی.

وزارت کشاورزی...

همگام و همپای دیگر طبقات انقلابی و ملی با سرکوبی رژیم منفور پهلوی تا روپود آنان را بهم پیچیدند و آنها را بگورستان تاریخ رهسار ساختند، و پایه‌های حاکمیت خلق را بنا نهادند. ولی متاسفانه علیرغم تا کید رهبری انقلاب در دفاع از مستضعفین و سرکوبی مستکبرین، وزیر کشاورزی دهقانان را تهدید به بازگشت زمینهایشان مینماید و برای مالکیتی که بقیمت آواره شدن میلیونها دهقان از سرزمین و خانه و گاشانه آنان بوجود آمده و با مکیدن خون میلیونها دهقان زحمتکش و صاحب صدها هزار هکتار زمینهای مزروعی آنان بدست آمده است، دل میسوزاند. شکی نیست مبارزه طبقاتی تا مادامیکه طبقات موجود است در بطن جوامع

اعلامیه...

هم اکنون عوامل هر دو ابر قدرت با ردیگر دست اندر کارند تا جنبش خلق کرد را در ایران، عراق و ترکیه به کجراه کشانده و گوشه دم توپ رقابتی خود نمایند. قیاده موقت با پشتیبانی امپریالیسم امریکایی و هیونستها با همکاری مالکین سابق و با زماندگان ساواک و امرای خائن و فراری ارتش ایران، در سرتاسر مناطق غرب کردستان ایران به ایجاد بلوا و آشوب مشغولند. در این آشوبها رژیم بعث عراق را هم نمیتوان بیطرف فرض کرد. از طرف دیگر رویزونیستهای عراقی اند که سالها با جنبش خلق کرد عراق به مخالفت برخاسته و در همدمی با بعضی های عراقی به دشمنی بیشرمانه‌ای علیه کردها برخاسته اند. آنها اکنون بخاطر منافع خود و همچنین کشاندن جنبش خلق کرد به زیر نفوذ سوسیال-امپریالیسم شوروی وارد میدان شده اند و خود را "مدا فیسم" "متحد" انقلاب کرد قلمداد میکنند و دست همگاری بسوی نیروهای میهن پرستان کرد دراز کرده اند.

سازمان انقلابی بنا بر ماهیت طبقاتی خویش از ابتدای تاسیس خود از حق تعیین سرنوشت خلق کرد چه در ایران و چه در سایر کشورهای منطقه دفاع نموده و در میدان عمل به پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه خلق کرد پرداخته است. عمل قهرمانان شهیدی چون ملا آواره اسماعیل شریف زاده، اسماعیل معینی، شهاب نوری، علی عسکری صمد زنگنه، و بشیر خسروی (عضو سازمان انقلابی) که در یک سنگسار جنگیدند بیانگر آنست که فرزندان واقعی خلق کرد نمیتوانند در سالهای سخت و خونین مبارزه، دوستان واقعی خود را بشناسند و در دستر صیح مبارزه به پیش روند و هیچگاه بسوی این یا آن امپریالیسم دست دراز نکنند.

سازمان انقلابی با تحلیل از اوضاع منطقه و مداخلات ابر قدرتها معتقد است خلقهای کشورهای خاور میانه با احترام به استقلال و عدم مداخله در امور کشورهای همجوار باید مشترکا در راه دست یافتن به استقلال کامل از امپریالیستها و بویژه دوا بر قدرت مبارزه کنند. تنها در چارچوب این مبارزه است که امر احقاق حقوق ملیت‌ها میتواند بمعنی واقعی کلمه تحقق یابد. اگر امر بدست آوردن حقوق ملی را جدا از امر مبارزه برای بیرون راندن امپریالیستها و مشخصا دوا بر قدرت آمریکا و روسیه از منطقه در نظر گیریم، عملا نه حقوق ملی را کسب میکنیم و نه خواهیم توانست مبارزه واقعی علیه امپریالیسم بنمائیم. بهمین دلیل است که سازمان ما، هم از حقوق ملی کردها در ایران وهم از تمامیت و استقلال ایران دفاع نموده و میکند، اینست درس گرانبهای تاریخ.

سازمان انقلابی، تلاشهای را که امپریالیسم آمریکا و شوروی بمنظور ایجاد اغتشاش و نفاق افکنی در میان ملیت‌های در اقلیت مناطق مرزی ایران با هدف ایجاد و گسترش ناراضی در میان توده‌های خلق انجام میدهد، شدیداً محکوم مینماید. دوا بر قدرت بویژه سوسیال-امپریالیسم شوروی در پی آنند که این ناراضی را هر کجا که میشود به درگیریهای نظامی بکشانند. ما بهمه نیروهای ملی، انقلابی و مارکسیست-لنینیستی هشدار میدهم که در منطقه کردستان علیه توطئه‌های خائنانه‌ی دوا بر قدرت و کلیه نیروهای وابسته به آنها موضع بگیرند و مخالفت خود را بانقشه‌های تجزیه طلبانه‌ی آنها بخصوص برنامه‌های تخریبی ابر قدرت شوروی که در پوشش ظاهری 'دوست' انقلاب کرد انجام میپذیرد، اعلام نمایند و علیه هر نوع نظریه‌ی انحرافی و عملی که مبتنی بر تکیه بر یک امپریالیسم در مبارزه علیه امپریالیسم دیگر باشد مبارزه نموده و از اصل اتکاء به نیروی خود و توده‌ها پیروی کنند.

ما بهمه این نیروها هشدار میدهم که حساب خود را از تحریکات امپریالیستها علیه ایران جدا سازند والا چه آگاهانه و چه نا آگاهانه به مدافعین سیاستهای ابر قدرت در تضعیف استقلال و جمهوری اسلامی ایران تبدیل میگردند.

آنها تنها بخشی از حقوق اسفند ماه خود را دریافت کرده اند. روز ۱۵ اسفندسها مداران کارخانه تعیین هیئت مدیره‌ی جدید شرکت در تهران جمع شدند. شورای کارخانه نمایندگان برای حضور در این جلسه فرستاد و از طرف کمیته‌ی مام نیز یک نفر آنها را همراهی کرد. این افراد از سها مداران شرکت خواستند که در مورد پرداخت حقوق کارگران و سایر کارکنان کارخانه فوراً اقدام شود. اما سها مداران تنها به اظهار همدردی قناعت کردند و گفتند که پولی در بساط ندارند و تنها مقداری مطالبات از باززرگان هست که در صورت دریافت، بمصرف رفع ضروریات کارخانه او پرداخت حقوق کارکنان خواهد رسید. ولی نمایندگان شورا دست از مبارزه نکشیدند و بعد از ۴ تا ۵ روز اقامت در تهران و کشمکش با سها مداران شرکت مقداری حواله‌ی پول و اجازه‌ی فروش کالاها را که بمقدار زیاد در کارخانه انبار شده بود گرفتند. اما این هم کمک زیادی نکرد چونکه شرکت مقداری از کالاهای خود را قبلاً به کارخانه‌های دیگر تحویل داده و پولش را هم گرفته بود. با این طریق فروش کالاها را انبار شده با آن سطح نمیرسید که حقوق کارکنان کارخانه را تامین کند. بعد از زعیان روز معان کسل شرکت استعفا داد و رئیس کسل حسابداری شرکت بکمک یکی از سها مداران بیبانه ندا شتن بودجه جلوی پرداخت حقوق کارکنان کارخانه را گرفتند. شورای انفری بلافاصله چند نفر از افراد خود را به تهران فرستاد. این گروه کوشیدند تا با مسئولین دولتی و از جمله با معاون نخست وزیر تماس بگیرند ولی متوجه شدند که یکی از مدیران اخراجی کارخانه قبلاً به نخست وزیر رفته و با آنها تعهد سپرده است که اگر افراد اخراج شده از طرف شورای کارگران به کار خود بازگردند کارفرما حقوق و مزایای عقب افتاده را پرداخت نماید. با این طریق ثابت میشود که اولیای امور شرکت میکوشند تا پرداخت حقوق و مزایای کارکنان کارخانه

درد در سال ۱۳۵۲ رسیده است. تشدید بحرانهای اقتصادی و مالی در آمریکا مبروت منبذ گردیدن اغنیاء و فقیر تر شدن زحمتکشان، چیزی جز نشانه پوسیدگی و زوال یا بتدگی امپریالیسم آمریکا نمیشد.

امپریالیسم روس

ما به میهن خویش، به کوه‌های سر بلند و آژادش این شرف و ناموس خود قسم یا دکرده اند که تا آخرین مرد جنگی وزن رزمجو، قربانی استقلال خود شوند. اگر شما جلادان میلیون ها انسان آزاده را بخون بکشید، باز هم نسل آینده در شکم مادر قربانی شده اش نفسی استقلال و انتقام خواهد کشید. آنها کشور شکوفان افغانستان مستقل و آریانی رزمنده ایجاد خواهند کرد. این فرمان تاریخ است و از آن گریزی نیست. مردم شورستان علیه تره‌کی- امین، بریزینف- کاسیگین، برحق است، به سرنوشت کشور خود، خوبیا نیشید!

دام‌های جدید آمریکا و روسی پهن شده است. . . . با هوشیاری در راه قیام ملی و استقلال واقعی کشور حرکت کنید. نفرین بر جشن جلادان و تحریمش کنید!

را بعنوان سلاحی برای از میان بردن شورای مشترک بکار ببرند. اما کارکنان مبارز کارخانه‌ی نوردا هوا ز بهیچوجه زیر بار این حرفها نخواهند رفت. آنها بمحض اینکه متوجه آنچه که در پس پرده میگذشت شدند بیانیهای انتشار دادند آنها اعلام کردند که مدیران اخراجی بهیچوجه حق بازگشت به کارخانه را ندارند. این بیانیسه که با مضای کلیه کارگران کارخانه رسیده است ضمناً اعلام میکنند که کلیه حقوق و مزایای عقب افتاده کارکنان کارخانه نباید هر چه زودتر پرداخت گردد. کارکنان کارخانه نوردا، بیانیسه مذکور را به استاندار خوزستان فرستاده اند و قراً است به خواستهای آنها هر چه زودتر رسیدگی شود.

طبقات موجود است در بطن جوامع و مستقل از ذهن و خواست این فرد یا آن فرد که نمیخواهند این واقعیت را بپذیرند، در جریان است. بنا بر این حل صحیح این تضادها و جواب قاطع و روشن به مبارزه طبقاتی درون جامعه و اینکه مادر کدام جهت این جریان قرار گرفته‌ایم، سنگ محک انقلابی بودن و راستین بودن و یا غیرا انقلابی و دروغین بودن را مشخص میسازد. دولت باید مواضع قاطع و روشن اقتصادی و سیاسی خود را در زمینه‌های مختلف ارائه دهد و از دوپهلو گوئی و ایجاد سردرگمی بپرهیزد و در مورد حل مسئله دهقانان پرجمی روشن داشته باشد. یا با دهقان و برعلیه فئودالها و زمینداران بزرگ در جهت تحکیم انقلاب اسلامی ایران گام بردارد و یا با فئودالها و برعلیه دهقانان، که در این صورت ثمری جز شکست جنبش اصیل ملی و اسلامی ببار نخواهد آورد.

دولت انقلابی با پدید آمدن چه طبقاتی با بد متحد گردد و برعلیه چه طبقاتی مبارزه نماید، اگر در این جنگ دوستان واقعی انقلاب را از دشمنان واقعی تمیز دهد بدون شک موفق خواهد شد و در غیر این صورت صرف نظر از "نیات بساک خود" مواجه با شکست خواهد گردید. سیرجریاناتی که متاسفانه در برخی از نقاط ایران از جمله، ترکمن صحرا، ارومیه، کردستان و غیره میگذرد، بیانگر سستی و اهمال کاری و عدم داشتن سیاست صحیح طبقاتی دولت است، برخی شواهد نشان میدهد فئودالها و زمینداران بزرگ کم کم خود را آماده حمله وسیع برعلیه دهقانان مینمایند. و در زیر پوشش اسلامی و دفاع از حق مالکیت، میخواهند بر علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه نمایند، آنان خواهان باز پس گرفتن زمینهای دهقانان هستند. زمینهایی که نیمی از آنها را دولت سابق و سرمایه داران وابسته با زور و قلدری و تهدید و فریب دهقانان، از آنان پس گرفته و بصورت شرکتهای سهامی زراعی و یا شرکتهای کشت و صنعت و غیره در آورده است.

تا کاهاته به مدافعین سیاستهای ابر طرفها در صحبت کردند. و جمهوری اسلامی ایران تبدیل میگردد. پیروز باد مبارزه خلق کرد بخاطر حق تعیین سرنوشت خود. زنده باد وحدت بزرگ خلقهای ایران علیه امپریالیسم بویله دو ابر قدرت نه آمریکا، نه روسیه، ایرانی مستقل و متکی بخود. سازمان انقلابی ۱۳۵۸/۳/۱۴

تحکیم دولت موقت و مسئله ملت عرب خوزستان

انقلاب مرحله بسیار حساسی را در خوزستان میگذراند. ۱- سازمان انقلابی ما بارها خاطر نشان ساخته است که در این مرحله حفظ و تحکیم استقلال کشور مسئله عمده انقلاب ایران را تشکیل میدهد. امپریالیستها و نیروهای مرتجع تلاش جنایتکارانه خود را بر آن نهاده اند تا دولت ملی کشور ما را تضعیف کرده، و از میان بردارند. از اینرو معیار واقعی برای شناخت یک سیاست غیرملی و یا ضد ملی، یک سیاست انقلابی از یک سیاست غیر انقلابی یا ضد انقلابی، اینست که آیا این سیاست در خدمت حفظ و تحکیم استقلال کشور است یا نه؟ آیا این سیاست علیه امپریالیستها و بویله دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه و عمال و سرسیردگان داخلی آنهاست یا نه؟

۲- حفظ و تحکیم استقلال کشور، بدون تامین و گسترش دموکراسی و در این رابطه تامین و گسترش حقوق ملی ملیتهای در اقلیت ایران ممکن نیست. در خوزستان یک ملیت عرب وجود دارد. سیاست درست اینست که حقوق ملی خلق عرب ایران شناساخته شود. اجرای چنین سیاستی توطئه‌های رنگارنگ ارتجاعی- امپریالیستی را درهم میکشند و گامی است به پیش در تحکیم استقلال ایران، سیاست درست دولت در این زمینه باید این باشد که حقوق ملی مردم عرب را به رسمیت شناخته و مشکلات را بطریق مذاکره و مشورت حل نماید. تجارب گذشته نزدیک نشان میدهد اعمال قهر باعث میشود که مشکلات بمراتب بیشتر رسایل پیچیده تر گردند. مسئله ملی یک تضاد درون خلقی است. راه حل آن باید مسالمت آمیز باشد. و قطع خونین چند روز اخیر خوزستان بروشنی نشان داد که مسئولین دولت در خوزستان در این زمینه و در زمینه حفظ و تحکیم استقلال ایران دارای سیاست درستی نیستند. ما قاطعانه از مسئولین دولت آقای بازرگان و سایر مسئولین انقلاب میخواهیم تا هر چه زودتر هیئتی به خوزستان بفرستند. از اعلامیه سازمان انقلابی بخش خوزستان ۵۸/۳/۱۱

برای احیاء کشاورزی، گذشته از اینکه دولت باید کمکهای فنی از قبیل وام بدون بهره به دهقانان بکند و امکانات مختلف را از قبیل بذر - کود - سم - ماشین آلات - کشا و ریزی برای آنان فراهم آورد، باید با زمین بردن بقایای فئودالیسم و حل مناسبات طبقاتی روستاهای ایران به نفع دهقانان، استقلال کشور را چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه سیاسی تامین نماید. دولت باید با قاطعیت و داشتن سمت صحیح طبقاتی نه تنها به فئودالهای سابق و زمینداران بزرگ مجال تنفس و عرض اندام و در نهایت تخریب انقلاب را ندهد، بلکه با محو بقایای فئودالیسم این شیوه منحن را برای ابد از صحنه اقتصاد کشا و رزان ایران پاک سازد. ادامه پیروزمند انقلاب اسلامی ایران رابطه انکارناپذیری با حل این مسئله دارد. عدم توجه به مسئله دهقانان موجب تقویت ضد انقلاب در روستاها گشته و زمینه را برای توطئه‌های امپریالیستها و عوامل بومی شان فراهم خواهد آورد.

رنجبر و خوانندگان

رنجبر

«تئوری سه جهان»

شوروی...

تحت سلطه امپریا لیسم بارمغان آورد. بکار برد اصل اتحاد پرولتاریا و ملل ستمکش در سطح جهانی و در ارتباط با "ارزیابی پدیده هادر مقیاس جهانی و نه بصورت مجزا" با در نظر گرفتن تضادهای دوران امپریا لیسم وجهت گیری بطرف حل تضاد عمده زمان ما یعنی تضاد خلقهای تحت ستم و امپریا لیسم از دیدگاه منفعت عمومی پرولتاریا در جریان انقلاب جهانی، منجر به مرز بندی دقیقی از نیروها و تضادهای جهانی بطور کلی میگردد. همانگونه که آموزگاران بزرگ پرولتاریا در هر زمان و در هر شرایط خاص از رویای فوق اوضاع جهانی را بررسی، تحلیل و مرز بندی میکردند.

اوضاع مشخص جهان پس از جنگ جهانی دوم که از یکسوناشی از تغییرات کمی حاصله در جهان امپریالیستی و تاثیرات آن در اوضاع اروپا، ژاپن و کانادا میباشد. با در نظر داشتن رشد ناموزون سرمایه داری و تجدید پتانسیل اقتصادی کشورهای شکست خورده از زمان پس از جنگ جهانی دوم تا کنون، و از سوی دیگر راهی اکثر ملل تحت ستم از زیر یوغ سیاسی امپریالیسم و اقتصاد آن، و نیز از طرفی تبدیل شوروی سوسیالیستی، تحت حاکمیت دارودسته رویزیونیست خروشف - برژنف به یک قدرت امپریالیستی، همه و همه.....

شرایطی هستند که مرز بندی نوینی از اوضاع جهانی جهت سمت گیری دقیق و اصولی از دیدگاه منفعت عمومی پرولتاریا را در امر پیشبرد انقلاب سوسیالیستی ایجاد میکند. با در نظر گرفتن تمام آنچه که در فوق بصورت رئوس مطالب ذکر شد، پراتیک انقلاب پرولتاریا و ملل تحت ستم، چه در سطح کشور و چه در سطح جهانی، از زوایای گوناگون اقتصادی، سیاسی... چه در رابطه با رشد اقتصادی و استقلال ملی ملل تحت ستم و چه در رابطه اتحاداتان در مقابل با جنگ افروزی دوا بر قدرت امپریالیستی، در اندیشه ما ثوتسه دون تحت عنوان «تئوری سه جهان» تبلور مییابد.

اما این دستاوردگرانقدر نیز همانند دیگر اندیشه های راستین علم ما، کسب دعا، دست اندازها

نیستید از قول من بهش بگین که آخه شما که بقول خودتون یا هاتون در پوست گردو فرورفته، فشار اقتصادی تون را به دوش زحمتکشان (کارگران - کارمندان) بدبخت منتقل نکنید.... ما که کمرمان زیر قرض بانکها خم شده، ما که کمرمان زیر اجناس گرون خم شده، تا بخدا آگه ممکنه یک خورده این فشارها را کم کنید نه اینکه جناب وزیر آب و برق با کمال پرروئی بره پشت رادیوو تلویزیون بگه آخه که پول برق ۱۰۰ یا ۲۰۰ تومن چیزی نیست. شاید برای شما جناب وزیر آب و برق چیزی نباشد ولی برای ما که روزی ۱۰۰ تومن کار میکنیم و هفت هشت تا بچه داریم خیلیه.....»

* انتقادات شما را به دولت آقایی بازرگان آوردیم، ما در صفحات رنجبر بکرات در این موارد بر خورد کرده ایم. در نامه زیر توسط خواننده دیگری می بینید انتقاد است که چرا، ما به جوانب دیگر کارهای آقای بازرگان یعنی جوانب مثبت، توجه نداریم.

نشریه محترم رنجبر: انتشار رنجبر ضامن احیاء آبرو و حیثیت کمونیستهای واقعی میهن ماست که اخیرا توسط فعالیتهای تبلیغاتی چپهای قلابی تا حدی خدشه دار شده. بعنوان یک خواننده ما یلم نکاتی را برایتان مطرح کنم:

اول، در گزارشات گوناگونتان در مورد مسائل کارگری دهقانی کلا دست روی مناطقی گذاشته اید که در آنها برای دهقانان و کارگران مساله ای وجود دارد و دولت موقت قادر به جوابگوئی صحیح به آن نبوده است؟ آیا کارخانه هایی نیستند که دولت در آنها نقش مثبت ایفا کرده باشد و یاروستانهایی که دولت، علیرغم مشکلات و موانع بسیار، توانسته باشد برخی حاجتهای اولییه روستاییان را به نحو احسن بر آورده باشد؟ بنظر من نمونه های مثبت نیز موجودند و خوبست شما این نمونه ها را نیز منعکس کنید تا سرمشق اقدامات دولت در بقیه مناطق قرار گیرد.

دوستان هیئت تحریریه "رنجبر" ارگان مرکزی سازمان انقلابی. ماعده ای از جوانان باگرایش مارکسیستی - لنینیستی قائم شهر (شاهی سابق) در یک جلسه آموزشی گفت و شنود با بحث و تبادل نظر به این جمع بندی رسیدیم که با ارسال نامه به دفتر رنجبر مسایل و مشکلاتی از جنبش چپ واقعی را مطرح کنیم: ۱- کمبود اساسی امروز در جنبش چپ، مسئله اتحاد بین آنها برای ایجاد حزب کمونیست ایران است. تفرقه در بین جنبش چپ بیسداد میکند. به این خاطر ما از سازمان انقلابی میخواهیم که توسط نشریه سیاسی خود یعنی رنجبر، مسئله اتحاد بین نیروهای سیاسی چپ را در دستور کار قرار داده و برای وحدت مارکسیست - لنینیستها که تا

بحال مبارزه کرده و زحمت کشیده، در این مرحله نوین جنبش نیز با زهم پیش قدم شود. بدین منظور یک بحث اصولی را که باعث نزدیکی و اتحاد گردد، دامن زده و بطور مشخص از آنها (یعنی بقیه نیروهای چپ) بخواهد که وارد بحث شده تا مسایل روشن و مواضع مشخص گردند. ۲- ما عمیقاً خواهان وحدت مارکسیست - لنینیستها هستیم. ما میخواهیم مواضع سازمان انقلابی چه از نظر ایدئولوژیکی و چه از نظر سیاسی بیان گردد. اختلافات اساسی و اصولی با سازمانهای دیگر توضیح داده شود. و اتحاد در راه حل اختلافات قدم عملی بردارید. منظورمان این است که از همیمن شما ره رنجبر شروع کنید و در صورت امکان به نیروهای دیگر تحمیل کنید تا برای حل اختلافات اصولی نظر داده و عمل مشخصی را انجام دهند. بنا بر این از شما تقاضا میکنیم تا به این خواست قلبی ما پاسخ مثبت دهید. نه فقط این مسایل خواست ماست بلکه خواست بسیاری از جوانان میهن پرست مملکت ماست که عمیقاً خواستار ایجاد حزب کمونیست واقعی بوده و از هیچگونه فداکاری و از خودگذشتگی و خدمت به خلق، بخصوص خدمت به طبقه کارگر قهرمانان ایران، دریغ نمی ورزند. منتظر جواب امیدبخش شما هستیم. در این راه هرچه رزمنده تر بیه

خوب حال ببینیم وضع کشور شوروی در این رابطه چطور است. میدانیم که دارودسته های سیگین - برژنف هنوز مدعی هستند که شوروی کشوری سوسیالیستی است. پس واضح است که آنها بهیچ وجه نمیتوانند اعتراف کنند که در شوروی بیکاری هست. چون در یک کشور سوسیالیستی دولت در دست طبقه کارگر است و کارخانه ها و وسایل تولید دیگر هم در دست دولت. پس در آنجا نه یک نفر سرمایه دار هست و نه "بازار کار" و نه "ارتش ذخیره صنعتی". در آنجا از یک طرف چون سرمایه داری نیست که بخواهد دسترنج کارگرها را بعنوان "سود" از آنها بگیرد و حق باقی به وجود کارگر بیکار نیست و از طرف دیگر چون کارگرها دولت را در دست دارند اجازه نمیدهند که هیچ کارگری بیکار بماند. اما وضع کنونی شوروی چگونه است؟ آقای کا سیگین در یکی از جلسات کمیته مرکزی حزب رویزیونیستی شوروی در سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۵) گفت که برای افزایش سود کارخانه ها باید "کارگران زائد" را اخراج کرد. آنوقت برای ثابت کردن نظرش اسم پنج مؤسسه حمل و نقل را برد و اضافه کرد که این مؤسسه ها "با فروش کامیون ها و لوازم زائد و اخراج کارکنان زائد، خود سود کلانی بدست آورده اند. جزئیات کار این مؤسسه های حمل و نقل در پانزده سال (۱۲ نوامبر ۱۹۶۵) در مجله "مسائل اقتصادی" در شوروی چاپ شد. آنوقت بر پایه همین نظریه کا سیگین، چنانچه "آزمایش اقتصادی در شوروی انجام گرفت که مهمترین هم در "مجتمع شیمیائی شچکینو" در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) بود. طبق گزارش اقتصاددان شوروی بنام "بارانکو" هر کدام از مؤسسه های این مجتمع بطور متوسط ۱۵ تا ۱۵ درصد کارگران خودشان را اخراج کردند. دوسوم از این کارگران اخراجی از طریق "یکی کردن کارها" یعنی از راه "زیاد کردن مقدار کار کارگران باقیمانده" زائد تشخیص داده شده بودند. کارگران باقیمانده البته مبلغ مختصری تحت عنوان "پاداش اضافه حقوق دریافت کردند و این گزارش هم در سال ۱۳۴۹ در مجله "مسائل اقتصادی" - شماره ۲ سال ۱۹۷۰ - چاپ شد. بعد از انجام این "آزمایشها" در پانزده (اکتبر ۱۹۶۹) کمیته مرکزی حزب رویزیونیستی شوروی اصل اخراج کارگران را بعنوان وسیله ای برای افزایش سود مؤسسه های اقتصادی تصویب کرد. تا سال ۱۳۵۲ این برنامه در ۷۰ مؤسسه پیاده شد و بعد از آن در هزاران مؤسسه دیگر اجرا شد.

نتیجدهی طرح کا سیگین که جزئی از "برنامه اقتصادی نوین" رهبری کنونی شوروی است چه بود؟ نتیجه این که از تاریخ شروع این برنامه تا کنون هر سال بر تعداد بیکاران در شوروی اضافه شده است. البته رهبران شوروی به بیکاری نام دیگری داده اند و آنرا "تحرك کارها" می نامند. یعنی اینکه بیکاری فقط بدلیل اینست که افراد کارشان را عوض میکنند.

طبق آمار رسمی شوروی در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) از تعداد ۲۰۷۰۰۰۰ بیکار در جمهوری قزاقستان یک چهارم از آنها ماها بیکار مانده بودند. طبق گزارش که در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) در نشریه "کاسوسیالیستی" چاپ شد: تعداد بیکاران شوروی ۲۰ درصد مجموع کارگران مؤسسات صنعتی و ۳۰ درصد کارگران ساختمانی را تشکیل میدهند. یعنی در رشته های صنایع به تنهایی در حدود ۶ میلیون بیکار هست. تعداد کارگران اخراجی در جمهوری فدراتیور سیه تا تابستان ۱۳۵۲ به ۷۰۰۰۰ نفر رسیده است. در جمهوری ارمنستان تنها در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) یک چهارم کلیه کارگران مؤسسات صنعتی اخراج شدند و در جمهوری قزاقستان تعداد کارگران اخراجی بین سالهای ۱۳۵۳ - ۱۳۴۸ به چندین میلیون نفر رسید. روزنامه ای "کامالسکا" یا "پراودا" در سال ۱۳۴۹ اعتراف کرد که ۵ درصد کلیه افراد بالغ شهر نووکوزنتسک بیکار هستند. روزنامه ای "ترود" نوشت: "در سال ۱۹۷۳ اتحادیه های کارگری شوروی قطعنامه ای منتشر ساختند و از اولیاء امور دولتی خواستند که برای جلوگیری از زیاده روی در اخراج کارگران اقدامات فوری انجام گیرد. اما در اوضاع موجود تغییر روی نداده است". و بالاخره تعداد کارگران بیکار شهری بخاطر هجوم بیکاران روستایی به شهرها روز بروز افزایش مییابد. اینها

* از احساسات گرم و حساسیت
شما نسبت به لزوم انجام این
وظیفه خطیر آموختیم و کوشش
خواهیم کرد رنج و وظیفه خود را در
جهت پیشبرد امر وحدت بیست
مارکسیست - لنینیستها هرچه بهتر
انجام دهد.

سازمان ما، از ابتدای زندگی
خود جهت این امر خطیر یعنی وحدت
اصولی مارکسیست - لنینیستها
جهت ایجاد حزب طراز نوین طبقه
کارگر بعنوان وظیفه مرکزی جنبش
کمونیستی ایران، مبارزه کرده
و این مبارزه را تا به ثمر رسیدن
آن ادامه خواهد داد. ما با زهم
نظرات خود را در این زمینه خواهیم
نوشت و در "ستاره سرخ" شماره ۲ که
بزودی منتشر خواهد شد نظرات خود
را در زمینه وحدت مارکسیست -
لنینیستها برای ایجاد حزب
کمونیست ایران بازگو خواهیم
نمود. ایجاد حزب کمونیست
وظیفه ایست بزرگ و امر مشترک کلیه
نیروهای مارکسیستی - لنینیستی
است. امیدواریم تماس خود را با ما
ادامه دهید تا با کمک متقابل
بتوانیم بنوبه خود به پرولتاریا
و خلقهای میهنمان بهتر خدمت
کنیم.

* یکی از خوانندگان مینویسد:
"یک سوالی برای من مطرح شده که
اگر هیئت تحریریه رنجبر صلاح میدونه
جوابش را بدهد.

گذشته از اینکه با دولت آقای
بازرگان بر سر مبارزه ضد
امپریالیستی وحدت داریم ولی
مسئله اینست که دولت بازرگان
همش میگه ملت (روی سخنش بیشتر با
زحمتکشان و کارگران و کارمندان
است) به دولت کمک کنید اگر ممکن
است مثلاً ۷۵۰ تومنی را که دولت ضد
خلق شریف اما می قرار بود بدهد
کارمندان بدهند گیرید یا کارگران
اضافه کار نکنند یا کارگران خوب
کار نکنند یا پول برق را بدهید. اگر
شما با نظر آقای بازرگان موافق
هستید بنویسید. ولی اگر موافق

مناطق قرا گیرد.
دوم، چرا خبری از جنبش
کمونیستی بین المللی منعکس
نمکنید؟ مثلاً در حالیکه نبرد
آزادی بخش ملی در تایلند، فیلی
پین، اندونزی، مالزی و کامبوج
از طریق احزاب کمونیست واقعی
در جریان است چرا شما آنها را
به خوانندگان ایرانی معرفی
نمکنید؟
سوم، در شرایطی که جبهه های قلابی
انواع و اقسام تزه های نادرست
را در جنبش اشاعه میدهند شما
چرا به پلمیک اصولی با آنها
بر نمی خیزید؟
با امید موفقیت بیشتر
ک. س.

* با نظرات و پیشنهادات
شما موافقیم و کوشش خواهیم
کرد که آنها را در شماره های
آینده تا مین کنیم. در اینجا
یک نکته را باید متذکر شویم:
ما آگاهانه دست روی مناطقی
خاصی برای برجسته ساختن عدم
توانائی دولت در جوارگویی به
خواستهای زحمتکشان گذاشته ایم
بلکه کوشش کرده ایم واقعیت
مسائل و مشکلات زحمتکشان
و خواستهای بحق آنان را منعکس
کنیم، اما با تو موافقیم که
نمونه های مثبت و پیشرفت راهم
باید متذکر شد و برجسته کرد
امیدواریم با زهم برایمان نامه
بنویسید و ما را از نظرات خود
مطلع کنی.

* دوست عزیز ک. ا. نامه
پر شور و همراه با پیشنهادات سازنده
و طرحهای ضمیمه اش را دریافت
کردیم، نظرات و پیشنهادات تو
مورد تأیید ما است و بتدریج به آنها
عمل خواهیم کرد.
موضوعات طرحها و کاریکاتورهای
ارسالی بسیار عالی است ولی چون
زیادسیاه هستند، قابل چاپ
نمیباشد، لذا ما از سوژه آنها
استفاده کرده و طرح جدیدی تهیه
کردیم.
از همکاری بسیار خوشحالیم و از
توسایر هنرمندان دعوت میکنیم
با زهم بیشتر با ما همکاری کنید.

همانند دیگر اندیشه های راستین
علم ما رکسیسم دچار دست اندازیه
تحریفات و کینه ورزیهای دشمنان
طبقاتی پرولتاریا قرا گرفتار
است. همانگونه که کاوتسکی و شرکا
انترناسیونال دوم را به ورطه
سوسیال شوونیسم در غلط اندند، و
باسی در مخفی کردن خود در پشت
پرده مارکسیسم قصدنا بودی تئوری
رهایی بخش پرولتاریا را
داشتند، همانگونه که تروتسکی
نیز با چنین شگردی عنا د طبقاتی
خود را در حمله و توطئه بر علیه
اندیشه های لنینی مجسم کرد،
امروز نیز رویونیسم این ستون
پنجم سرمایه داری در درون جنبش
کارگری، با دست زدن به تحریفات
آشکار و پشیمانانه با شکل مختلف
سعی در فریفتن افکار نیروهای
پرولتاریایی جهان نموده و
دشمنی طبقاتی خود را در حمله به
"تئوری سه جهان" متبلور میکند.
چه در کشور ما و چه در سراسر جهان عمل
جاسوسی سوسیال امپریالیسم روس
به پیروی از سیاست خائنانانه
انشعاب و تفرقه اندازی در صفوف
انقلابیون پرولتری، تضعیف آنان
و ماهی گرفتن از آب گل آلود، ایجاد
پراکندگی و تفرقه بینف اربابان
کرملین نشین خود، تحریفهای
خود در باره تئوری سه جهان را بهانه ای
برای پیگیری سیاستهای ضد خلقی
خود قرار داده اند. آنان بدینوسیله
از یکسود در صفوف انقلابیون پرولتری
به تفرقه اندازی دست زده اند و از
سوی دیگر در برابر درک درست
توده های مردم و روشنفکران
مارکسیست از "تئوری سه جهان"
سعی ساخته اند. آنان خیال خام
در سر میپرورانند، همانقدر که
کاوتسکی و تروتسکی توانستند در
امر کارشکنی در صفوف انقلابیون
و محو حقیقت تئوری مارکسیسم -
لنینیسم موفق شوند،
رونیونیستهای خائن امروزی
نیز موفق میشوند. تاریخ اسلاف
آنان را به زباله دان انداخت،
جای اینها نیز همانجاست. اما این
حقیقت بدان معنی نیست که ما با
آن مبارزه نکنیم، بلکه همانطور
که لنین و ما توتسه دون در مقابل
دشمنان طبقاتی پرولتاریا که
بدرون صفوف انقلابی رخنه کرده

بیکاران روستائی به شهرها
روستائیانی هستند که در مراکز کشاورزی "زائد"، تشخیص داده شده اند.
طبق گزارش مجله مسائل اقتصادی (شماره ژوئن ۱۹۷۴) بین سالهای
۱۳۴۹ - ۱۳۳۸ (۱۹۷۰ - ۱۹۵۹) بیش از ۱۶ میلیون نفر از روستاها به
شهرهای شوروی سرازیر شده اند و بالاخره بسرا این بیکاران چه میاید؟ در
نشریات شوروی و نوشته های اقتصاددانها و جامعه شناسان شوروی به
گزارشهای متعددی بر میخوریم که خواستار دادن کمک مالی به
بیکاران شوروی هستند. اما زما مداران شوروی که نمیخواهند باز
گشت سرمایه داری به شوروی را اعتراف کنند، وجود بیکاران را هم منکر
هستند. نتیجه چیست؟ اینکه، بیکاران شوروی مثل بیکاران سایر
کشورهای سرمایه داری در مدت بیکاری از دریافت حقوق و مزایای خود
محروم میباشند. نتیجه وجود بیکاری برای کارگرانی که سرکار هستند
چیست؟ هر کدام از آنها مجبورند برای گریز از اخراج شدن علاوه بر کسار
خودشان کار یک یا دونفر از کارگران اخراجی را هم انجام دهند.
بعضی ها هم سعی میکنند تا تخصصهای تازه یاد بگیرند تا بتوانند جای
خالی کارگران اخراجی را پر کنند. مجله "شوروی امروز" در زمستان
۱۳۴۸ در این باره نوشت "تصمیم این شد که برای کسانی که بر سر کار
باقی مانده اند اضافه دستمزدی تعیین شود تا اینکه آنها تخصصهای
تازه خود را بکار اندازند و اداره دستگاها و ماشینهای اضافی دیگری
رانیز بعهده بگیرند. (تأکید از ما است) با این ترتیب برای تولید سود
بیشتر برای سرمایه داری که تحت عنوان مدیر کارخانه از کارگران
بهره کشی میکند هر کارگر را باید برابر دیوانه ها کارگر کار کند.
خلاصه کنیم: در شوروی امروز یعنی در کشوری که رهبران خائنش
هنوز مدعی اند سوسیالیستی است بیکاری روز بروز افزایش میابد.
در نتیجه استثمار کارگران روز بروز شدیدتر میشود. این بیکاری
و بهره کشی از کارگران نشانه ای چیست؟ نشانه ای اینکه طبقه کارگر شوروی
دیگر قدرت دولتی را از دست نداد. طبقه کارگر قدرت دولتی را در
دست داشت با این فلاکت نمی افتاد و نه اجازه میداد بیکار بماند و نه ننگ
استثمار در کارخانه را تحمل میکرد. کارگری که مجبور است از ترس
بیکار شدن با تحمل همه نوع محرومیت کارچند نفر را نیز انجام دهد،
کارگری که مجبور است برای بدست آوردن کار با کارگران دیگر
رقابت بکند و با کارفرما چانه بزند در واقع، همان کارگر روزمزدی
اجتماع سرمایه داری است نه کارگر یک جامعه سوسیالیستی.

بودند، بطور خستگی ناپذیری مبارزه
کردند، امروز نیز وظیفه هر انقلابی
پرولتاریایی است که در مبارزه با
رونیونیسم بهر شکل، قاطع و پیگیر باشد.
درین رهگذر جای بسی تاسف
است که این توطئه خائنانانه
رونیونیستها در میان صفوف
انقلابیون پرولتری ایران نیز تا
حدی، بطور موقت، تخم تفرقه را در
میان آنان پراکنده است.
"تئوری سه جهان" همه جا حضور دارد،
از بحثهای محفلی کوچک تا
سالنهای سخنرانی بزرگ، اما در
کمتر جایی بدان برخوردی
مارکسیستی صورت میگیرد، بلکه
بسیاری قضاوتها بر مبنای
تحریفات و دروغ پردازیهای است
که رویونیستها با شکل مختلف
و از روی نقشه خائنانانه ایجاد تفرقه،
از خود ساخته و پرداخته اند، حقیقت
تئوری سه جهان را جز از طریق
تجزیه و تحلیل علمی همه زوایای
آن و بررسی همه جانبه مفاهیم آن
بشود مارکسیستی، نمیتوان درک
کرد. ما بخاطر مسئولیت انقلابی
خود، در تشریح تئوری سه جهان
از زوایای مختلف میکوشیم و
انتظار داریم که رفقای دیگر نیز
بنحوی که ملار فیکانه و مسئول
بر خورد کرده و در این امر شرکت
کنند تا ضمن روشن نمودن واقعیت
این تئوری، دست تحریفگران و
دروغپردازان را از جنبش انقلابی
ایران کوتاه کنیم و گامی دیگر
در راه وحدت صفوف انقلابی
برداشته و با یکپارچگی انقلابی،
خائنین به طبقه کارگر را افشا و
طرد کنیم.

«امپریالیسم روس نمیتواند این خاک مقدس را به اسارت بکشد»

شوروی : کشوری امپریالیستی (۸) بیکاری در شوروی

بیکاری یکی از دردهای بی‌درمان اجتماع سرمایه‌داری است. چرا در اجتماع سرمایه‌داری بیکاری هست؟ و چرا نمیتواند از زمین برود؟ علتش خیلی ساده است. چون بیکاری برای کارگویی از شرایط اصلی سود بیشتر برای سرمایه‌دار است. چرا؟ چونکه اگر در اجتماع بیکاری وجود نداشته باشد سرمایه‌دار بزرگت نمیتواند کارگران را اجاره کند. اگر کارگر بیکاری نباشد که جای کارگر اجاره‌چی را بگیرد، سرمایه‌دار مجبور است کارگران را تا حد ممکن نگاهدارد. نتیجه‌ی این وضع چیست؟ نتیجه‌ی این است که کارگران که مزدشان کفاف زندگیشان را نمیدهد، هر وقت خواستند میتوانند کارفرما را تهدید کنند که دست از کار میکشند. آنوقت چون کارفرما با آنها احتیاج دارد مجبور است مزدشان را زیاد کند در نتیجه دستمزد کارگر مرتباً بالا میرود و سود سرمایه‌دار مرتباً پایین می‌آید. با این دلیل است که در اجتماع سرمایه‌داری سرمایه‌دارها تلاش میکنند تا همیشه تعدادی کارگر بیکار وجود داشته باشد. هر چه تعداد بیشتری آدم بیکار در خارج کارخانه باشد، کارفرما بهتر میتواند سرمایه‌دار دستمزد کارگر را نه بزند و سطح دستمزدها پایینتر خواهد بود. حالا اگر مثلاً بعزت توسعه صنایع، در کشوری تعداد زیادی کارخانه‌ها شدو تعداد کارگران آنقدر زیاد شد که عده‌ای را بیکار نگه‌دارند، سرمایه‌دار چه میکند؟ سرمایه‌دار از یک طرف کارگران را از کشورهای دیگر می‌آورد، یعنی آدم‌های بیکار کشورهای فقیرتر را بداخل کشور میکشاند تا کارگران کشور خودش نتوانند با او چانه‌بزنند. از طرف دیگر سعی میکند کارگران کارخانه‌ها را وادار کند که تندهند و ترسیده‌تر کار کرده و هر کدام کار یا چند نفر انجام دهند. وقتی کارگری با شدت بیشتر و سریع‌تر کار کند آنوقت هم‌بازده خودش بالا میرود و سود بیشتری به سرمایه‌دار می‌رسد و سود هم اینکه کار کارگر دیگری را هم انجام داده است. در نتیجه کارفرما میتواند یکی دیگری کارگران را اجاره کرده و دستمزد او را به سود خودش اضافه نماید. ما رکن در کتاب معروفش بنام "سرمایه" میگوید که: در اجتماع سرمایه‌داری هر چه قدر کارگران کم‌تر کار کنند و تندهند و ترسیده‌تر کار کنند تعداد کارگران ذخیره (یعنی بیکار) زیادتر میشود و بالعکس هر چه قدر تعداد کارگران بیکار زیادتر میشود کارگران کم‌تر کار میکنند. (سرمایه جلد اول) ما رکن اسم مجموعه‌ی کارگران بیکار را "ارتش ذخیره" یعنی "میگذارد".

هرات هنگامی که جنبش پرشکوه و خشم آگین مردم میهن پرست ولایت هرات را با تانک نمیر (۵۷۰) (نمره ۵۷۰) خود بخون میکشید، تا آخرین مرمی (گلوله) بکشتار وحشیانه مردم پرداخت. و زمانی که دست خشمگین مردم، او را از تانک بیرون میکشید فریاد زد که: "هزارتا کشته‌ام دیگر آرزو ندارم". بلی آرزوی هریک از این دشمنان سوگند خورده خلق، در کشتن هزارمیهن پرست و هزار دشمن روس برآورده میشود.

اما علیرغم این کشتارهای وحشیانه رژیم، جنبش مردم ما خاموش نماندنی است. قیام خونین توده‌های هرات و پیوستن افسران وطن پرست اردوی آنجا بخلق و خودداری پیلوت‌های (خلبانان) با شاه مت‌این سرزمین از بمباران مردم و ناگزیر شدن دولت از فرستادن پیلوت‌های روسی بخاطر بمباران، نشانه همبستگی و وفاداری افسران شجاع و رزمنده این سرزمین به مردم خود است. و مظهری است از پوسیدگی هیولای قدرت اهریمنی رژیم. آری خلقهای وطن پرست هرات و افسران رزمنده‌ی راه مردم در این قیام خروشنده خود "خلقهای" های وطن فروش در هرات را با ۱۲۰ مستشار روسا حب منسوب روس بقتل رسانید و نوحش آنها را بکشته درختها آویخته و تانک‌های دشمن را با چوب و سنگ و دست‌خالی تصرف نمودند و همچنین جنبشهای دلیرانه مردم در بسا ولایات دیگر نشان میدهند که نیروی پرتوان خلقها شکست‌ناپذیر است. و امپریالیسم روس نمیتواند این خاک مقدس را به اسارت بکشد....

چنانیتکاران وطن فروش "خلق" و "پرچم" و اباداران (اربابان) روسی شان با دیدن آنند که مردم بقیه در صفحه ششم

نشانی دفتر رنجبر
تهران - خیابان مصدق
پایین تر از امیر اکرم - کوی گودرز

دولتی (در واقع روسی) سوسیالیسم است؟ آیا مخالفت با عقاید مردم سنی و توهین مذهب شیعه و دستگیری تمام رهبران اهل تشیع، زیر نام وابستگی آنان با ایران، دستگیری و کشتار روحانیون وطن پرست از سراسر افغانستان، اعمال خائنه تبعیضات ملی در مورد اقلیت‌های ستمکش و شریک افغانستان سوسیالیسم است؟ آیا با صدور فرمان مضحکه آمیز، کشور ما واقعاً ۳ دوره تاریخی را پشت سر گذاشته است؟

باند‌های خیانت پیشه "خلق" و "پرچم" پس از ۱۴ سال هم‌آغوشی با رژیم‌های خون آشام ظاهروداد و هزاران خیانت و جاسوسی امروز از انقلاب دم‌میزنند! و چون خنجر زهر آگین از آستین بریزند بر آمله به کشتار خلق آغا ز کرده‌اند. تاریخ کشور ما حتی در زمان خون آشام‌ترین رژیم‌ها چنین شرایط وحشت و ترور و اختناق و شکنجه را بخود ندیده است. هم‌اکنون در سیاه‌چال‌های پل چرخ، محاسن ولایات و شکنجه‌گاه‌های دیگر رژیم پنجاه هزار زندانی سیاسی وجود دارد، که بیش از ۲۰ درصد آن در اثر شکنجه‌های جلادان "خلق" و روسی معیوب لاعلاج و بسیاری شان جان خود را از دست داده‌اند. سی‌هزار کشته در هرات و هزاران قتل در اثر تجاوزات هواپی و زمینی و شکنجه‌های ضد انسانی در ولایات پکتیا، کندهار، ارزکان، فراه، نیمروز، بغلان، بدخشان، سمنگان، پروان، لوگر، مزار و میمنه هنوز گوشه‌ای از شهرت کشتار آنها را فرو نمانده است.

نور محمد تره‌کی این سادیت خبیث در یک جلسه سری گفته است: برای حکومت ما دو میلیون نفوس کافیست. آری این نشان طرز تفکر چاکر روس است که مصمم بر آن شده است تا از ۱۷ میلیون مردم ما دو میلیون بجا ماند و متباقی (باقی) باید قربانی اهداف تجار و زگران بریژنیف کاسیگین و وطن فروشان چون "تره‌کی" - امین" گردند. مگر بمباران قریه‌های ۱۲ ولایات کشور زیر شعرا بنا بود کردن مردم

رژیم جنایتکار تره‌کی سعی در قلب واقعیات دارد بولی مردم غیور افغانستان حقایق را بر ملا می‌سازند و به طرق مختلف به افشای ماهیت رژیم وابسته تره‌کی می‌پردازند. اخیراً شبانه‌های در کابل و اطراف آن پخش شده، مادر زیر بخشهایی از آنرا که در نشریه سوم عقرب (ارگان مرکزی سازمان عمومی محملات افغانی در خارج از کشور) چاپ شده، نقل میکنیم: (توضیحات لغوی داخل پرانتز است):

"در طول یکسال تسلط باند وطن فروش "تره‌کی" - امین" کشور ما هر چه بیشتر زیر بار اسارت شوروی سوسیال امپریالیست رفته است. طی این مدت بیش از ۴۰۰۰۰۰۰ دلار از او را سوسیالیسم صورت گرفته است. ثروت‌های طبیعی کشور را زگا ز گرفته تا میوه، از معدنیات گرفته تا پنبه بدون حساب به شوروی تحویل داده شده و میشود. در حال حاضر بیش از ۵۰۰۰۰۰۰۰ مستشار و متخصص نظامی روسی، ارگان‌های کلیدی دولت را بدست گرفته‌اند، از قاضی القضات گرفته تا جنرال‌های نظامی و با بستن معاهده خفت آور ۲۵ فقره‌ی "دوستی و حسن هم‌جواری" وابستگی افغانستان را هر چه بیشتر به شوروی تشدید کرده وسیله‌ی از روسها است که بجا نب کشور ما جاری شده و از تمام امتیازات برخوردار می‌باشند. این همه خیانات و وطن‌فروشی زیر نام "سوسیالیسم" صورت میگیرد.

آیا مضحکه‌ی اصلاحات ارضی رژیم، انتخاب ۳۰۰۰۰۰۰۰ جریب زمین درجه اول از طرف ارباب ملاک و قانونی کردن استعمار دهقانان از طرف ملاک، و رشکستگی افسار متوسط مردم و تاجران ملی و بجای آن تقویت سکتیور (بخش)

تغایب ایران پرویز نژاد...!!
سلاشکاف جانی... موجود است!!
بهره‌طبی خلقها...!!



پایین تر از امپراتور - سرو - سروی بود در
 پلاک ۱۶ - تلفن ۶۶۰۵۱۹
 نشانی پستی رنجبر - تهران
 صندوق پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴

کشور زیر شعرا بود کردن مردم
 بعنوان ایرانی و پاکستانی نمونه
 از این طرز تفکر نیست؟ مگر وارد
 کردن ۲۵ هلیکوپتر ضد مردمی و
 هزاران تن بمب و سلاحهای مدرن از
 شوروی، نشانه‌های از کشتارهای
 فجیع مردم ما بدست نمیدهد؟
 "ظاهر" معاون سیاسی اردوی

با ما همکاری کنید

بفرستید، ما ذرا مورفنی رنجبر
 ما نند صفحه بندی، تصحیح، طراحی
 نقاشی و کاریکاتور، عکاسی و غیره
 هم احتیاجات فراوانی داریم. ما
 را در این زمینه‌ها نیز یاری کنید،
 از شهرها و روستاهای متعددی اطلاع
 میدهند که "رنجبر" بدستمان
 نمیرسد، از اینرود ریخس هر چه
 وسیعتر "رنجبر" با ما همکاری کنید
 انتقادات، پیشنهادات و عقاید
 خود را با ما در میان بگذارید و با
 هم مثل همیشه سهم بیشتری از بار
 سنگین مالی ما را بعهده بگیرید
 "رنجبر" تنها با تکیه به شما
 و برخورداری از کمک‌های تان
 میتواند ندامت‌یافته راستین رنجبران
 باشد.

"رنجبر" نشریه ایست در
 خدمت توده‌های وسیع خلق، ملهم از
 نظرات، پیشنهادات و عقاید مردم
 و متکی بر توان لایزال، همکاری
 نزدیک و کمک بی دریغ شما. اگر
 "رنجبر" بر چنین پشتوانه پر
 توانی متکی نبود، هرگز در فاصله
 به این کوتاهی نمیتوانست جای
 خود را در میان شما باز کند،
 پیشرفت و رشد سریع "رنجبر" مرهون
 استقبال، تشویق و کمک‌های شماست
 ما با زهم دستهای سازنده شما را
 صمیمانه میفشاریم. در هر کجا که
 هستید، شهریاری روستا، کارخانه یا
 مزرعه، سربازخانه یا دانشگاه
 مسجد و یا بازار، برای ما اخبار
 و گزارش، مقاله و مطلب و عکس

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمکهای خود را
 به حساب بانکی زیر واریز نمایید:
 بانک ملی ایران
 تهران - شعبه خیابان ایرانشهر
 شماره حساب ۴۵۳۶۸

کمک مالی خوانندگان،
 نقش موثری در ادامه‌ی کار ما دارد.
 مشکلات مالی ما زیادند و بدون یاری
 تک تک خوانندگان، این مشکلات
 از میان برداشته نخواهند شد. هر
 کس که "رنجبر" را نشریه‌ی خودش
 میداند و وظیفه‌دار دردردتوانان‌اش
 به آن کمک کند، سیاست ما اتکاء به
 نیروی لایزال مردم است و بهمین
 خاطر مشکلاتمان را با شما در میان
 میگذاریم و مطمئنیم که با شما و
 همراه شما آنها را یک بیک حل
 خواهیم کرد. در انتظار یاری سخ
 مشیت شما هستیم.



در باره

مقاله زیر را یک گروه
 مارکسیستی - لنینیستی تهیه
 نموده. در اختیار ما قرار داده است.

«تئوری سه جهان»

دیالکتیکی آن با امر انقلاب
 جهانی، اصل پرولتاریای جهان
 متحدشود را بصورت "پرولتاریای
 جهان و ملل ستمکش متحدشوند"
 تکامل بخشید، ما ثوتسه دون ادامه
 دهنده راستین راه لنینی در جریان
 پراتیک انقلابی پرولتاریا و
 خلقهای تحت ستم همواره از واقعیات
 عینی و نه تجریدات ذهنی حرکت
 کرده و بدینسان در پرتو دیالکتیک
 "تحلیل مشخص از واقع مشخص"
 بوده که در جریان پراتیک انقلابی
 و در سایه اتحاد پرولتاریا و سایر
 خلقهای تحت ستم چین، پایه‌های
 سوسیالیسم را در چین مستقر کرد.
 جمع بندی تجارب انقلاب
 چین بمنظور کاربرد درست اصول
 انقلابی پرولتاریا و خلقهای تحت
 ستم، دستاورد ارزنده مومکراسی
 نوین را برای پرولتاریا و
 خلقهای تحت ستم در تمام کشورهای
 بقیه در صفحه هفتم

گرا نقد رچه در زمینه تئوریک و چه در
 زمینه پراتیک برای تسلیهای بعد
 از خودیافتی گذارد.
 بخشی از میراث گرانقدر
 لنینی، تئوریزه کردن پراتیک
 انقلابی پرولتاریا و ملل ستمکش
 در سراسر جهان در پرتو اندیشه‌های
 مارکس و انگلس است. آنان همواره
 در آثار خود در جریان پراتیک
 انقلابی زمان خود، به موضوع ملل
 ستمکش و رها بی ملل تحت ستم و
 استعمار رزده و کسب استقلال آنها و
 چگونگی ارتباط آن با پیروزی
 پرولتاریای جهانی در راه بر
 آفرشتن پرچم سوسیالیسم، توجه
 داشته و در هر زمان به نسبت
 شرایط عینی حاکم، بنوعی از آن
 سخن رانده اند. در پرتو درخشان
 این گفتارها و دستورالعمل‌های
 مارکس و انگلس بود که لنین در
 چگونگی پیشبرد امر انقلاب
 پرولتاریای و توجه فوق العاده‌اش
 به مبارزات ملل تحت ستم و ارتباط

یکی از مهمترین وجوه در موضوع
 غنا و تکامل اندیشه مارکسیستی،
 تئوریزه کردن پراتیک انقلابی در
 جریان تکامل تاریخ است. با
 حرکت از این دیدگاه است که
 دستاوردهای ارزشمندی پس از
 مارکس و انگلس به اندیشه آنان
 افزوده گشته و پراتیک انقلاب را
 بیش از پیش روشنی، غنا و تکامل
 بخشیده است.
 انجام این مهم از نقطه نظر
 ادیالکتیک ما تریالیستی نه بصورت
 ذهنی و بدورا زجریان عینی،
 بلکه همواره با حرکت از واقعیات
 عینی در جریان تکاملی تاریخ و
 در پراتیک انقلابی ممکن میباشد.
 لنینیسم در جریان پراتیک انقلابی
 پرولتاریای روسیه در ارتباط
 ارگانیک با اصل "ارزیابی پدیده‌ها
 در مقیاس جهانی و نه بصورت مجزا"
 با رورگردید و ا مر خطیر پیروزی
 پرولتاریای روسیه را ممکن ساخت
 و ازین رهگذر دستاوردهای بس